

# نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲۱۹ - شنبه ۱ بهمن ۱۳۹۰ (۲۱ ژانویه ۲۰۱۲)

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، جعفر پویه، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه، مهدی سامع

## در این شماره می خوانید:

- \* بحران ارز، وقتی پرده ها بالا می رود - منصور امان...ص ۲
- \* چه کسی از کاهش ارزش ریال سود می برد؟ - زینت میرهاشمی...ص ۵
- \* آموزه اصلی جنبش وال استریت: انطباق سازماندهی و تاکتیک با شرایط، سوگواری و پیام تسلیت برای کیم جونگ ایل  
نمودار سردرگمی دسته ای از "چپ" ها - لیلا جدیدی...ص ۱۱
- \* سال ۲۰۱۱ در آینه بحران، جنبش و انقلاب (۱) - جعفر پویه...ص ۱۶
- \* آب-باری بر دوش زنان - حقوق بشر و سود شرکتها (بخش اول) - برگردان: آناهیتا اردوان...ص ۲۱
- \* چالشهای معلمان در دی ماه - فرنگیس باقره...ص ۲۴
- \* زنان در مسیر رهایی - آناهیتا اردوان...ص ۲۷
- \* شجاعت مقاومت یا وقاحت تسلیم - شهره صابری...ص ۳۱
- \* جنگ علیه «باربی» در نظام تبعیض جنسیتی - نگار الوندی...ص ۳۲
- \* بُت پوسیده اعلیحضرت همایون سید علی خامنه ای - مهدی سامع...ص ۳۳
- \* رویدادهای هنری دی ماه - لیلا جدیدی...ص ۳۶
- \* چند شعر کوتاه برای نشریه نبرد خلق - م. وحیدی...ص ۳۹
- \* مالکی توافق دولت عراق با سازمان ملل درباره اشرف را به کلی زیر پا گذاشت...ص ۴۱
- \* کابوس اشرف - لیلا جدیدی...ص ۴۲
- \* تروریسم دولتی علیه راه حل عادلانه برای کمپ اشرف - منصور امان...ص ۴۲
- \* مانور دیپلماتیک رژیم به قصد کلاهبرداری سیاسی - جعفر پویه...ص ۴۳
- \* بستن یا نبستن تنگه هُرمز، یک دوگانگی مُحاسبه شده - منصور امان...ص ۴۴
- \* واکنش صحنه گردانان نمایش انتخاباتی در برابر جبهه تحریم - زینت میرهاشمی...ص ۴۴
- \* شهدای فدایی در بهمن ماه...ص ۴۵

شنبه ۴ فوریه ۲۰۱۲  
 سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار می کند  
 ۴۱ امین سالگرد رستاخیز سیاهکل  
 در همبستگی با  
 بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری  
 گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان

برنامه هنری  
 ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران  
 زمان: شنبه ۴ فوریه ۲۰۱۲ برابر با ۱۵ بهمن ۱۳۹۰  
 از ساعت ۴ بعد از ظهر تا آخر شب  
 مکان: آمستردام - هلند  
 Opne Hof  
 Burg Haspelslaan 129  
 1181 NC Amstelveen

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»  
 «مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

## سرمقاله.....

### بحران ارز، وقتی پرده ها بالا می رود

منصور امان

۱۰ سال پس از آغاز بحران هسته ای جمهوری اسلامی، برای اولین بار تحریمهای بین المللی، رژیم ولایت فقیه را به سختی هدف گرفته است. اگر چه هنوز مجازاتهای آمریکا و اروپا علیه سیستم بانکی و بخش نفت به اجرا گذاشته نشده، اما حتی تصویب فرمال آن از سوی آمریکا و چیدن تدارک این تحریمها از سوی اروپا، آثار گسترده و ویرانگری بر اقتصاد کشور و بر شرایط زیست و کار میلیونها نفر به جا گذاشته است. حاکمان لاف زن همچون افسون شده هایی که در چشم مار خیره مانده اند، بر جا خشک شده اند و این سووال که آقای خامنه ای و شرکا با سیاستها و نقشه های خود قصد دارد کشور و مردم را به گجا ببرد، یک پاسخ مستند دیگری یافته است.

#### منار بدون چاه

"نظام" در تمام طول این دوران، به گونه مستمر بر آتش بحران دمیده و -منصفانه باید گفت- از هیچ اقدامی برای تیره کردن مناسبات خود با جهان خارج فرو نگذاشته است. حال پرسش این است که آیا صحنه گردانان این بازی ویرانگر، تدابیری نیز برای پیامدهای پیش بینی پذیری که اقدامات شان بر جامعه و روابط اقتصادی حاکم بر آن خواهد گذاشت، اندیشیده و در اختیار دارند؟ واکنش آنها در برابر یک تاثیر روانی و نه حتی عملی تحریمهای جدید یعنی، سقوط شتابان ارزش ریال در برابر دلار و یورو و به گفته یک نماینده مجلس مَلاها "تبدیل پول ملی به کاغذ پاره"، نشانگر آن است که "آقا" سرخوشانه اول منار را دزدیده بدون آن که لحظه ای وقت خود را برای اندیشه به یافتن چاهی برای پنهان ساختن آن تلف کرده باشد.

زمان کوتاهی پس از آن که رییس جمهور آمریکا قانون مَصبوب گنگره این کشور مبنی بر تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی و محرومیت داد و ستدکنندگان با آن از دسترسی به بازارهای آمریکا را امضا کرد، تلاطم در بازار ارز آغاز گردید و

همراه آن، حکومت به سرعت مهار این بازار را که همواره به مدد دلارهای نفتی توان دستکاری در آن را داشت، از دست داد. هجوم خریداران دلار و افزایش جهشی تقاضای این ابزار مبادله بین المللی، واکنشی طبیعی در برابر احتمال قوی کاهش منابع ارزی بانک مرکزی و خالی شدن صندوقهای حاوی دلارهای حاصل از فروش نفت بود. از سوی دیگر، تکرار همین وضعیت در بازار فلزهای قیمتی نشان می داد که هراس از کاهش تدریجی اما ثابت ارزش ریال و عدم اعتماد به توقف یا برعکس شدن این روند، تلاش برای نجات داراییهای ریالی و جایگزینی با منابع با ثبات همچون طلا را دامن زده است.

### بحران ارزی پیش بینی پذیر و قابل مهار

در حالی که زنگ تحریم بخش مالی "نظام" از بیش از ۴ سال پیش برای حاکمان ایران به صدا درآمده است و آنها از اکتبر ۲۰۰۷ (آبان ۱۳۸۶) تا کنون فرصت داشته اند برای ساعت صفر آماده شوند و تمهیداتی در برابر آن بیاندیشند، اما دستپاچگی و به هم ریختگی دستگاه حاکم به گونه ای است که گویی مورد اصابت صاعقه ای ناگهانی قرار گرفته است. در تاریخ یاد شده، وزارت خزانه داری ایالات متحده برای اولین بار ۹ بانک و سه نهاد نظامی جمهوری اسلامی را به لیست سیاه تحریمهای خود اضافه کرد. بانکهای ملی، صادرات و ملت در ردیف موسسات مالی تحریم شده قرار داشتند و سپاه پاسداران و واحد تروریستی آن (قدس) و وزارت دفاع نیز نهادهای مشمول مجازاتها را تشکیل می دادند. چند ماه بعد، اتحادیه اروپا نیز به این تحریمها پیوست و از جمله فعالیت بانک ملی را به حالت تعلیق درآورد. هیچکس بهتر از کارگردانان ماجراجویی هسته ای نمی توانست پیش بینی کند که چشم انداز این کشمکش چه خواهد بود و تحریمها به چه سمتی خواهد رفت، زیرا آنها قصد نداشتند به فعالیت ماجراجویانه هسته ای خود و بحران آفرینی منطقه ای خاتمه دهند. برعکس، رژیم مَلاها به گونه فزاینده پیچ بُحران را به سمت بالا می چرخاند و صورت حساب آن را با صدور سه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل علیه خود در فاصله سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ (۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹) دریافت کرد.

بنابراین انتظار از آقای خامنه ای و همدستانش برای داشتن یک برنامه اضطراری به منظور مدیریت وضعیتی که نشانه هایش را پیشاپیش خود راهی کرده بود، به طبع نمی بایست انتظار غیرمعقولی باشد. به ویژه از آن رو که حاکمان کشور منابع لازم برای مادیت بخشیدن به چنین برنامه ای را نیز در اختیار داشته اند. بر اساس آمارهایی که وزارت نفت و بانک مرکزی انتشار داده اند، درآمدهای ۶ ساله حکومت در طول دو دوره برغماری آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر منصب ریاست جمهوری، از محل صدور نفت خام، مبلغ نجومی ۵۰۵ میلیارد دلار را در بر می گیرد. محل کنونی دفن این گنج افسانه ای، یکی از مَعماهای بسیار سرگرم کننده نظام ولایت فقیه است. فراکسیونها و دسته بندیهای رقیب در دستگاه قدرت کاملاً با یکدیگر موافق هستند که نیم تریلیارد دلار درآمد نفتی "گم شده" یا دستکم، "چگونگی هزینه" آن "نامعلوم" است. موضوعی که آنها در آن با هم توافق ندارند، هویت عامل و مُتهم اصلی این ابهام غلیظ مالی است. راست سنتی، دولت نظامی-امنیتی را نشان می دهد. دولت، به نوبه خود به بیت "آقا" و "برادران قاچاقچی" اشاره می کند و آقای خامنه ای هم به هر دو دسته ی روی سن کنایه می زند. با این وجود، رفتار بسیار مُحاطانه طرفین با یکدیگر و موش و گربه بازی بر سر این دزدی میلیاردی و آن اختلاس هنگفت نشان می دهد که حق با همگی آنهاست؛ غارت درآمدهای ۶ ساله یک کشور نفت خیز، از عهده یک دسته و محفل به تنهایی بر نمی آید.

### راه حل‌های حکومت

بنابراین، از آنجا که نگاه آقای خامنه ای و شرکایش از لبه بُشقاب پُر خود فراتر نرفته و از ترتیبات میز غافل مانده، راه دیگری نیز جز واکنش دادن به رویدادها برای آنها باقی نمی ماند. نمونه سقوط آزاد پول ملی، یک ویژگی هشدار دهنده در دستگاه سیاستگذاری رژیم مَلاها با پیامدهای فاجعه بار برای جامعه و کشور را به روشنی به نمایش گذاشته است. حاکمان جمهوری اسلامی تصور روشنی از پیامدهای تصمیمهای خود ندارند یا چنان محسور داستان سراییها و گزافه گویی های خود شده اند که از مُحاسبه عقلانی این پیامدها ناتوان گردیده اند. آنها در تاریکی به سمت جلو شلیک می کنند و سپس به دُعا می نشینند و رجز می خوانند که عاقبت خوبی داشته باشد. از همین رو، دستگاه سیاسی-اقتصادی آنها نیز در برابر وضعیت موجودی که برایش "تازه" به حساب می آید، غافلگیر شده و به هم می ریزد.

اکنون آشکار گردیده که حکمرانان کشور، در باب مرزهای اقتصادی که بحران در مناسبات خارجی می تواند گسترش یابد، نه ذهنیتی داشته اند و نه به طبع، طرحی برای رویارویی با آن می توانسته اند داشته باشند. حال پرسش مهم این است، آیا آنها پیرامون پیامدها و آثاری که تیز شدن لبه این بحران و ادبیات جنگی شان می تواند برای منافع ملی و سرنوشت مردم داشته باشد، ذهنیتی دارند؟

بحران ارزی کنونی نشان نمی دهد که "نظام" قبل از شکل گیری این وضعیت برای جلوگیری از آن تدبیرهایی داشته یا دست به اقداماتی در این جهت زده باشد، اما از این پس چه؟ آیا تدبیری برای اداره وضعیت نازل شده در کف دارد؟ آیا شاغلان، بیکاران، طبقه پایین، اقشار متوسط و مرفه می توانند به آقای خامنه ای اعتماد کنند که قادر است سنگی که به چاه انداخته را خود بیرون آورد؟

برای یافتن پاسخ این سوالات، مرور کوتاه واکنش حکومت به وضعیت فعلی می تواند کلیدی باشد؛ اقداماتی که آنها را به دو دسته می توان تقسیم کرد:

۱- تدابیر سیاسی

۲- اقدامات پلیسی

تدبیرهای سیاسی با حرکت در جهت صرفه جویی در هزینه های ارزی دولت آغاز شد که بار آن را درجه اول شهروندان عادی باید به دوش می کشیدند. دولت ابتدا نیمی از سهمیه دو هزار دلار ارزی که متعهد شده بود به قیمت رسمی به مسافران بفروشد را حذف کرد و ارز مسافرتی را به هزار دلار کاهش داد. به این ترتیب، حکومت به طور رسمی مسافران برای تامین ارز مورد نیاز خود به بازار آزاد حواله داد.

در همین حال، چند روز پس از آن که شعبه های ارزی بانکها به بهانه های گوناگون از پرداخت ارز دانشجویی خودداری می کردند، بانک ملت در یک بخشنامه رسمی اعلام کرد که پرداخت ارز دانشجویی را متوقف کرده است. این بخشنامه افزوده بر دانشجویان، بیماران را نیز از جمله گروهی معرفی کرد که به پرداخت ارز به قیمت دولتی به آنها متوقف شده است.

یک تحرک سیاسی برجسته در این زمینه را مجلس مآلها از خود نشان داد. نهاد قانونگذاری حکومت با چند هفته تاخیر سرانجام اعلام کرد که در ۱۸ دی جلسه مشترکی را با شماری از اعضای دولت به منظور "نجات اقتصاد ملی" برگزار خواهد کرد. این نشست اما به سند دیگری برای نمایش ناتوانی "نظام" در اداره وضعیتی که به وجود آورده، تبدیل شد. ساعاتی بعد از اعلام تصمیم برداشتن این گام بزرگ برای "نجات اقتصاد ملی"، مجلس عذر خواست که به دلیل شرکت نکردن وزیران اقتصاد و صنعت و معادن و نیز رییس بانک مرکزی در نشست مزبور، موضوع منتفی شده است. پیام این تلاش عقیم مانده به "بازار" و مردم این بود که حکومت ابزار یا راه حلی برای چیرگی بر "سونامی قیمتها" ندارد و سیل به راه افتاده، خود مسیرش را انتخاب خواهد کرد.

این ارزیابی را سردرگمی خیره کننده حکومت پیرامون آنچه که باید یا می تواند برای تخفیف بحران انجام دهد، به گونه مستند تایید کرده است. زیگ زاگ در تعیین نرخ سود سپرده های بانکی و گنج سری در تعیین نرخ سکه، دو نمود از بی کفایتی و ناتوانی حکومت در یک فاصله زمانی کوتاه است.

از این رو شگفت آور نیست که چشمگیرترین اقدام سیاسی در برخورد به شرایط موجود پس از زبان بازی و لاف زنی را اقدامات پلیسی تشکیل می دهد؛ حرکتی که رهبران و پایوران جمهوری اسلامی امید دارند اگر نه "اقتصاد ملی"، دستکم خود آنها را "نجات" دهد.

فهرست تدابیری در این جهت که به دستگاه قهریه تکیه داده اند و در خلال هفته های گذشته به آزمایش گذاشته شده اند، طولانی و گاه به همین اندازه ریشخندآمیز است. نبوغ اقتصادی "آقا" و داروغه هایش راه حلهایی چون مسدود کردن یک وبگاه اطلاع رسانی نرخ ارز تا فیلتر پیامکهای تلفنی حاوی واژه "دلار" را روی میز گذاشته است. در آخرین اقدامات از همین جنس و کیفیت، حکومت پس از لشکرکشی ناکام به فردوسی و استانبول، به "دارندگان ارز" اولتیماتوم داده است تا ۱۵ بهمن ارز خود را به بانکها تحویل دهند!

## برآمد

هر گاه به تلاش دیوانه وار و بدون توقف حکومت برای تامین اقتدار خود در جامعه و به اطاعت واداشتن یا خنثی کردن آن نگریسته شود، به نظر نمی رسد کسانی که انتظار معجزه از این امامزاده را دارند، در اکثریت باشند. بنابراین بحران

اقتصادی کنونی و ناکارآمدی مشهود و فاجعه بار رژیم ولایت فقیه، صورت حساب آن را نزد اقشار و طبقات جامعه سنگین تر و موعد پرداخت را نزدیک تر می کند. اما اقلیتی که به راستی گزافه گوییهای حاکمان را باور کرده و با کمی خودفریبی و اندکی رشوه، همه چیز را زرین و رنگین دیده است نیز امکان نظر انداختن به پشت صحنه را یافته است.

**برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید**

[nabarad@iran-nabard.co](mailto:nabarad@iran-nabard.co)

## کارگران و مزدبگیران.....

### چه کسی از کاهش ارزش ریال سود می برد؟

زینت میرهاشمی

پخش شیرینی توسط احمدی نژاد در سالگرد حذف یارانه ها (۲۸ آذر) که به بهای فقر و تنگدستی کارگران و زحمتکشان، رنگین شده بود به کام چپاولگران حکومتی و وابستگان به قدرت شیرین آمد. تبدیل ریال به کاغذی بی ارزش و پُرشدن جیب دلالتان رژیم، شیرینی آن را دوچندان کرد. قبل از این که وزیر امور اقتصاد و دارایی ارزش ریال را تعیین کند، ربال سقوط کرده و به ارزش واقعی خود در اقتصاد ورشکسته کنونی نزدیک شد.

سید شمس الدین حسینی در ۱۲ آذر از اجرای تحولات اقتصادی صحبت کرد. وی ادعا کرد که «ارزش گذاری پول ملی» در ادامه کامل شدن «هدفمندی یارانه ها» در دستور کار و به زودی اجرا خواهد شد.

چندی از حرف احمدی نژاد در روز ۲۸ آذر نگذشته است که فقر بیشتر در لابلای کاغذ بی ارزش ریال به دستان کارگران و مردم زحمتکش ایران به عنوان «حق» تحویل داده شد. مردم با ریال بی ارزش دستمزد می گیرند و در بازار کالاهای مورد نیاز خود را با دلار باید خریداری کنند.

احمدی نژاد در سالگرد اجرای حذف یارانه ها، در سخن پراکنی خود با تاکید بر این که «دولت حق هر ایرانی را به خودش پرداخت کرد» وعده داد؛ «حق مردم را در جیب خودشان می گذاریم». در حساب و کتاب زورمداران آدرس جیبها دارای پلاک و نشانی ثبت شده نیست و احمدی نژاد خودش با آگاهی از آدرسی که پولها به آن ارسال می شود، «حق» آنان را پرداخت می کند.

وی در حالی که شرایط اقتصاد را «آرام و با ثبات» توصیف کرد با بی شرمی گفت: «مشکلی نداریم». این حرفهای پوچ در حالی بیان می شود که در عرض یک ماه آن چنان ارزش ریال کاهش پیدا کرد که ساکنداران کشتی ورشکسته ولایت فقیه، وحشت زده شدند. در این لُرزش کشتی حکومتی، هر کدام از ساکنداران، مدال بازندگی در سیاستهای اقتصادی و سقوط ریال را به گردن دیگری آویزان می کنند. بهمنی رئیس بانک مرکزی در جلسات مربوطه شرکت نمی کند. احمدی نژاد کمیته ای برای پایین آوردن ارزش دلار ترتیب داده و رئیس آن را وزیر اقتصاد تعیین کرد؛ در حالی که بهمنی رئیس بانک مرکزی خود را در این جایگاه می دانست. بر اساس برخی از شایعات، بهمنی هم به بیماری قهر مبتلا گردید و از دیده ها پنهان شده است.

احمدی نژاد در شعارهای پوشالی خود، در روز ۲۸ آذر ادعا کرد که: «ذخایر ارزی ما آن قدر زیاد است که هیچگاه در طول تاریخ به این میزان نبوده و ذخیره طلای ما برای ۱۵ سال بس است». در شرایط فعلی با توجه به تحریم بانک مرکزی و پایین آمدن ارزش ریال، داد و ستدی خارجی رژیم که معمولاً با دلار پرداخت می شود با مشکل جدی روبرو می شود.

بر اساس داده های اماری، در دوران احمدی نژاد بیشترین درآمد از فروش نفت و گاز وجود داشته است، در حالی که در همین دوران دولت بیشترین کسری بودجه را داشته و تورم افزایش پیدا کرده است. شاخص تورم افزایش غیر متناسب بهای کالاها و خدمات مصرفی نسبت به درآمد مردم است. یکی از علتهای افزایش تورم رشد نقدینگی است. به ویژه در

اقتصاد رانتهی ایران، نقدینگی در حوزه تولید و صنایع جریان پیدا نمی کند و بر همین منظر با تموند شدن بخش دلالی و افزایش رکود در بخشهای تولیدی، بیکاری، فقر و تنگدستی افزایش یافته است.

در ساختار اقتصاد شبه دولتی و نظامی موجود، خالی شدن سفره کارگران و مزدبگیران، با پر شدن جیب دلالان و سرمایه داران حکومتی همراه است. در حقیقت ثروت از بین نمی رود بلکه با سرعت بیشتری جا به جا می شود. در یک ساله اخیر شکاف طبقاتی و جابه جایی ثروت عمومی به نفع عده ای محدود افزایش پیدا کرده است. عده ای وضعشان بهتر می شود و جمعیت کثیری فقیرتر می شوند.

اوضاع اقتصادی آنچنان وخیم است که عسگراولادی، هفتمین ثروتمند ساکن ایران، چشم اندازی تیره و سیاه را تصویر می کند. رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین روز ۲۲ دی گفت: «با توجه به واردات کالا با دلار ۱۶۰۰ تومانی و مشکلات تولید، در ۶ ماه آینده با کمبود بسیاری از کالاها و قحطی در کشور مواجه خواهیم شد که برای تهیه آنها یا باید متوسل به قاچاق شویم و یا این که هزینه بسیاری بابت قاچاق بپردازیم». البته هفتمین مرد ثروتمند این بار کمی دلش برای مردم سوخته و گرنه ثروتهای او در دوران قحطی بیشتر خواهد شد و وی خودش را در برابر بیماری قحطی واکسینه کرده است.

امر «مقدس» قاچاق هم معلوم است در دست چه کسانی است. در دعوای جناحی وقتی احمدی نژاد زیر رگبار انتقادهای طرف مقابل قرار گرفت، بخشی از کارکرد «برادران قاچاقچی» را افشا کرد. به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، محمدرضا رحیمی، معاون اول احمدی نژاد روز ۱۰ دی، در همایش پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز گفت: «قاچاقهای کوچک لنجهای و یا قاچاقهایی که از طریق قاطرها در برخی مرزهای کشور صورت می گیرد قاچاقهای اصلی نیستند. و قاچاقچیان اصلی در تهران و در مراکز استانی و به صورت شبکه‌ای هستند که باید آنها را مورد هجوم قرار دهیم».

بر گردیم به وضعیت ارز و این که چه کسانی از افزایش بهای ارز در برابر دلار سود می برند. فروش دلار دولتی در بازار یک منبع درآمد برای دولت است. نقدینگی که از این طریق به دست می آید افزون بر نقدینگی موجود، هنگامی که در مدار تولید قرار نمی گیرد افزایش تورم را به همراه دارد. علاوه بر این وارد کنندگان عمده کالا که یا دولتیها هستند و یا باندهای نزدیک به قدرت با خرید دلار با نرخ دولتی سودهای کلانی به جیب می زنند و در همان حال تولید داخلی را با چالش و در نهایت با توقف مواجه می کنند.

در اقتصاد بیمار که سران رژیم با استفاده از هر فرصت از طریق اختلاس و یا گونه های دیگر ثروت مردمی را به خارج منتقل می کنند، برایشان صرف دارد که پولشان را در شکل سکه طلا انباشت کنند. زیرا ارزش آن مرتب افزایش می یابد و انتقال آن برایشان اسان تر و با صرفه تر است. رئیس اتحادیه کشوری طلا و جواهرات در مصاحبه ای با ایسنا روز شنبه ۲۴ دی گفت: «هر کسی امسال طلا و سکه خریده تا الان ۷۰ درصد سود کرده حال چطور پول خود را در بانک می گذارد».

در ماههای آینده تاثیرات کاهش ارزش ریال هر چه بیشتر در وخامت وضعیت مردم خود را نشان می دهد. تحریم بانک مرکزی یکی از عواملی است که فساد اقتصادی پنهان را به رو آورد. ثروت ملی مردم که منبعی برای زیست و ادامه حیات حکومت بود به مخاطره افتاده است. طبیعی است که اوضاع چنان وخیم است که کاپیتان کشتی زهوار دررفته حکومت هم کاری از دستش بر نمی آید. همین طور کمیته بررسی احمدی نژاد هم نخواهد توانست چاره ای بیاندیشد. با توجه به این که نرخ واقعی تورم که بانک مرکزی اعلام می کند واقعی نیست، حقوقی که بر این پایه تعیین شود واقعی نخواهد بود. افزایش سرسام آور نقدینگی، سقوط ارزش ریال و افزایش نرخ تورم که بسیار بیشتر از ۴۰ درصد پیش بینی عسگراولادی است، زندگی کارگران و مزدبگیران را به تباهی می کشد. در چنین شرایطی تعیین حداقل دستمزد باید با نرخ واقعی تورم و روند رو به رشد آن تعیین شود. ان چه مسلم است و تجربه تاکنونی هم نشان داده این است که هیچ یک از باندهای حکومتی به فکر زندگی کارگران و مزدبگیران نیستند. این تنها خود کارگران و زحمتکشان هستند که می توانند با اتحاد، مبارزه و همبستگی به حقوق پایه ای عادلانه دست پیدا کنند.

## برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در دی ۱۳۹۰



\*از روز سه شنبه ۲۲ آذر، رانندگان و کارگران مشغول به کار در آهن فروشیهای واقع در کمربندی بهشت محمدی سنندج به دلیل ممانعت راهنمایی و رانندگی از ورود آنها با بار آهن آلات به درون شهر و قرار دادن جریمه های سنگین و متوقف کردن ماشینها، دست از کار کشیدند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، این اعتصاب تا روز پنج شنبه ۱ دی ادامه داشت که این امر موجب بیکاری کارگران در بخش صنعت و ساختمان و به خصوص جوشکاران و آرماتور بندها شد.

\*کارگران شرکت لوله نورد صفا در ادامه اعتصاب روز پنجشنبه اول دی، روز شنبه ۳ دی نیز تا پایان روز در اعتصاب بودند. به گزارش انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، روز شنبه نصف حقوق شهریور به کارگران پرداخت شد و کارفرما در عوض از کارگران خواست تا به اعتصاب خود پایان دهند. اما کارگران اعلام کردند که تا گرفتن مطالباتشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

\*تعدادی از آمارگیرانی که در طرح نفوس و مسکن حقوق خود را دریافت نکرده‌اند روز یکشنبه ۴ دی در مقابل فرمانداری تجمع کردند.

به گزارش فارس این تجمع همزمان با آغاز ثبت نام از داوطلبان نهمین دوره انتخابات مجلس در مقابل فرمانداری تهران تجمع صورت گرفته است.

\*کارگران مشغول به کار در شرکت پیمانکاری جهاد توسعه سد آزاد بنیر روز دوشنبه ۵ دی همچنان به اعتصاب خود ادامه دادند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، این کارگران از تاریخ ۱ دی تا ۳ دی ۱۳۹۰ به دلیل عدم پرداخت ۴ ماه حقوق معوقه دست از کار کشیدند که به آنها قول پرداخت حقوق داده شد که متأسفانه به دلیل اجرایی نشدن این امر، حدود ۲۲۰ نفر از کارگران مجدد دست از کار کشیده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند.

همچنین این بار کارگران مشغول به کار در واحدهای دیگر نیز به آن ها پیوسته و از آنها حمایت کردند که این اعتصاب برای گرفتن حقوق معوقه خود همچنان پابرجا می باشد.

\*روز دوشنبه ۵ دی، کارگران سد ژاوه به دلیل اجرایی نشدن قول مسئولان مربوطه در شرکت پیمانکاری ژیان مبنی بر پرداخت ۶ ماه حقوق معوقه، دست از کار کشیده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، در روز های ۱ تا ۳ دی، حدود ۴۰۰ نفر از کارگران این واحد نیز در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق معوقه دست به اعتصاب زدند که موجب متوقف شدن واحد حمل و نقل در این چند روز شده بود.

\*کارگران ریسندگی شرکت خاور رشت برای احقاق مطالبات شش ماهه خود صبح روز ۶ دی برای بار سوم طی دو هفته در مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس از رشت، حدود ۳۰ نفر از کارگران کارخانه ریسندگی خاور رشت پیش از ظهر سه شنبه ۶ دی، به دلیل اعتراض در عدم مطالبات شش ماهه خود مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

\* کارگران پتروشیمی اروند که در پی اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگران منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر برای حذف شرکتهای دلال و همچنین تحقق بعضی خواسته های دیگرشان حدود سه هفته قبل اخراج شده بودند، روز سه شنبه ۶ دی بعد از دو هفته تلاش و پیگیری از طریق مجاری اداری و تجمعات اعتراضی همزمان موفق شدند به سر کارشان برگردند.

به گزارش انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، این کارگران در دوره اعتصابات اخیر کارگران منطقه ویژه ماهشهر شرکت فعال داشتند. طبق این گزارش این کارگران قبل و بعد از اخراج با عوامل کارفرما بارها ناچار به زد و خورد شده اند.

\* به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز شنبه ۱۰ دی حدود ۲۵۰ نفر از کارگران صنایع فلزی شماره یک (شرکت مصنوعات زرین تهران) با در دست داشتن پلاکاردی از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعد از عصر در خیابان مجاور این کارخانه در منطقه شاد آباد دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران بر روی این پلاکارد نوشته بودند: ما خواهان هیات مدیره، کار، دریافت سه ماه حقوق معوقه و واریز ۸ ماه بیمه خود هستیم.

به دنبال این تجمع که باعث ترافیک سنگینی در خیابان منتهی به شاد آباد (بازار آهن) شده بود بازرسان اداره کار در میان کارگران حاضر شدند و با وعده پیگیری خواستههای کارگران از آنان خواستند به تجمع خود پایان دهند اما کارگران با اصرار بر تحقق فوری خواستههایشان تا ساعت ۴ بعد از عصر به تجمع خود ادامه دادند.

کارگران این واحد تولیدی در سومین روز تجمع و اعتصاب خود روز دوشنبه ۱۲ دی از ساعت ۸ صبح تا پایان وقت اداری در خیابان مجاور این کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند و با در دست داشتن پلاکاردی خواهان رسیدگی به خواستههای خود شدند.

\* به گزارش ایلنا، روز دوشنبه ۱۲ دی، کارگران کارخانه مخابرات راه دور شیراز به منظور رسیدگی به مطالبات قانونی خود با ادامه تجمعات ۱۱ روزه خود، مقابل استانداری فارس دست به اعتراض زدند.

\* به گزارش ایلنا کارگران کارخانه ریسندگی بافندگی قدس اصفهان روز دوشنبه ۱۲ دی در مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند.

روز چهارشنبه ۱۴ دی، ایلنا گزارش داد که؛ در پی اعتراض جمعی از اعضای تعاونی مسکن شرکت ریسندگی، بافندگی قدس اصفهان مقابل استانداری، طوماری جهت رسیدگی به استانداری تحویل شد.

\* کارگران کارخانه ذوب آهن اردبیل روز دوشنبه ۱۲ دی در محل این کارخانه تجمع کردند و خواستار ۶ ماه حقوق معوقه و تعیین تکلیف کارخانه شدند. به گزارش رهسا نیوز، کارگران روز یکشنبه ۱۱ دی به استانداری مراجعه کرده و نامه اعتراضی خود را به استانداری و سپس به اداره کار تحویل دادند.

\* کارگران کشت و صنعت شمال روز سه شنبه ۱۳ دی در رابطه با تعطیلی کارخانه در مقابل فرمانداری میانرود اجتماع کردند. این کارگران روزهای گذشته نیز مقابل استانداری مازندران اجتماعاتی درهمین رابطه داشتند.

به گزارش مهر، کارخانه کشت و صنعت شمال به عنوان بزرگ ترین واحد تولید کننده روغن مایع و نباتی خاورمیانه در مازندران هفته ها است که به دلیل پرونده مالی سرمایه گذار اصلی آن با تعطیلی مواجه شده است.

مجتمع کارخانجات روغن نباتی کشت و صنعت شمال با مساحتی بالغ بر ۳۰ هکتار در منطقه سر سبز دشت ناز مازندران در ۱۵ کیلومتر ۱۵ جاده ساری به نکا در شهرستان میانرود واقع است.

\* روز چهارشنبه ۱۴ دی، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری گزارش داد که؛ حدود یک سال است که کارخانه کاشی و سرامیک گیلانا دچار بحران گردیده و کارگران این کارخانه در حال حاضر هفت ماه حقوق معوقه خود را دریافت نکرده اند.

کارخانه ابتدای شهر منجیل (حدود ۷۰ کیلومتری شهر رشت) واقع شده و ۲۵۰ کارگر در چهار شیفت کاری مشغول به کار می باشند.



کاشی گیلانا متعلق به ۴ سهامدار خصوصی بوده که بیشترین سهامدار در حال حاضر مدیریت کارخانه را عهده دار می باشد.

هفته گذشته تعداد زیادی از کارگران در مقابل استانداری گیلان تجمع نموده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند اما پاسخ درست و قانع کننده ای از طرف مسئولان مربوطه دریافت نکردند. کارگران در آخرین اقدام خود برای بدست آوردن حقوق معوقه، تصمیم گرفتند در داخل کارخانه و پای دستگاهها اعتصاب نموده و تولید را متوقف کنند و در پی این اقدام، کارفرما مجبور شد بخش بسیار ناچیزی از حقوق کارگران را پرداخت نماید تا کارگران راضی شوند مجدد به کار خود بازگردند.

\*کارگران شرکتهای پیمانکاری در پتروشیمیهای ماهشهر پس از ده ماه کشمکش و مبارزه و اعتصاب به موفقیتی عملی در راستای تحقق خواستههایشان دست پیدا کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، جلسه مشترک نمایندگان کارگران شرکتهای پیمانکاری پتروشیمیهای ماهشهر با رئیس این مجموعه ها در روز یکشنبه ۱۸ دی منجر به موافقت رئیس این مجموعه ها با بخشی از خواسته های کارگران شد و پس از آن بخشنامه افزایش دستمزد کارگران شرکتهای پیمانکاری مجموعه پتروشیمیهای ماهشهر صادر و بلافاصله مبلغ افزایش یافته مربوط به آذر ماه به حساب کارگران واریز شد. به این ترتیب کارگران شرکتهای پیمانکاری پتروشیمی بندر امام و پتروشیمیهای منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر موفق شدند پس از نزدیک به ده ماه کشمکش و دو اعتصاب قدرتمند و بزرگ و اقدامی متحدانه برای شروع اعتصابی دیگر، به موفقیتی مهم دست پیدا کنند.

لازم به ذکر است که این کارگران قبلاً اعلام کرده بودند که چنانچه تا روز ۲۰ دی خواستههای آنان بر آورده نشود در این روز اعصاب نامحدودی را آغاز خواهند کرد.

\*روز شنبه ۱۷ دی، بازنشستگان ذوب آهن اصفهان در مقابل کانون بازنشستگی ذوب آهن تجمع کردند. به گزارش فارس، مدیرعامل کانون بازنشستگان ذوب آهن اصفهان گفت: بازنشستگان فولاد مبارکه و ذوب آهن به دنبال چرایی بدقولی مسئولان برای دریافت مطالبات خود هستند. بازنشستگان ذوب آهن از آبان ماه سال جاری تاکنون حقوق خود را دریافت نکرده اند.

\*به گزارش مهر، روز شنبه ۱۷ دی، کارگران نساجی مازندران با ایجاد راه بندان و برپایی تجمع و تحصن اعتراضی مقابل فرمانداری قائم شهر، خواستار دریافت ۱۸ ماه حقوق معوقه خود شدند.

\*جمعی از اعضای شرکت تعاونی مسکن شهرداری بجنورد برای احقاق حقوق از دست رفته خود ظهر روز شنبه ۱۷ دی در مقابل استانداری خراسان شمالی تجمع کردند. به گزارش فارس، تعداد تجمع کنندگان بیش از ۵۰ تن بود و آنان از مسئولان استانداری تقاضای کمک و رسیدگی به مشکل خود را داشتند.

\*روز شنبه ۱۷ دی کارگران ذوب فولاد ملایر، به دلیل عدم پرداخت شش ماه از حقوقشان دست به اعتصابی ۲۴ ساعته زدند. در حالی که ایلنا از اعتصاب کارگران ذوب فولاد ملایر خبر داد، مدیر این کارخانه ضمن تکذیب اعتصاب کارگران گفت: مشکل کوچکی بود که در صحبت با کارکنان حل شد و قرار شد حقوق معوقه آنان به صورت هفتگی پرداخت شود.

\*کارگران مسکن مهر کامیاران روزهای ۱۷ و ۱۸ دی دست از کار کشیده و اعلام کردند تا زمان پرداخت حقوق معوقه به سر کار باز نخواهند گشت.

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، کارگران مشغول به کار در این واحد چندین ماه حقوق دریافت نکرده و در حال حاضر ۳۰ نفر از کارگران و استاد کارهای این واحد به دلیل پرداخت نشدن حقوقشان در اعتصاب به سر می برند.

\*روز یکشنبه ۱۸ دی، کارگران شرکت کارین صنعت در مقابل اداره کار شهرستان دهگلان تجمع کردند و اعلام کردند تا رسیدن به خواست و مطالبات خود به تجمع ادامه خواهند داد.

به گزارش کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل‌های کارگری، شرکت کارین صنعت در شهرک صنعتی شماره ۲ واقع در پانزده کیلومتری دهگلان دارای ۷۰ کارگر است که ۵۰ تن از آنان کارگر ساده و ۲۰ تن دیگر اداری هستند. این شرکت وسائل پیش ساخته فایبر گلاس را تولید می‌کند.

\*کارگران شرکت واگن سازی پارس اراک روز دوشنبه ۱۹ دی در اعتراض به عدم دریافت ۱۲۰ میلیارد تومان ترنست تولید شده این شرکت توسط راه آهن و تعویق حقوق پرداختی آنها در مقابل ساختمان وزارت راه و شهرسازی تجمع کردند.

به گزارش مهر، شرکت واگن سازی پارس هم اکنون ۱۲۰۵ میلیارد تومان بابت ۱۲۰۰ کارگر به بیمه بدهکار است و همچنین بیش از دو سال است که دفترچه‌های درمانی کارگران این شرکت باطل شده و حتی برای بازنشستگان نیز حق بیمه پرداخت نشده است.

روز سه شنبه ۲۰ دی این کارگران در ادامه اعتراضات خود در مقابل مجلس تجمع کردند.

\*به دنبال تعطیلی کل معادن شن و ماسه منطقه شرق اصفهان، صبح روز دوشنبه ۱۹ دی، ۱۰۰ تن از کارگران این منطقه در مقابل اداره کار و امور اجتماعی استان اصفهان تجمع کردند.

به گزارش ایمن، این کارگران از روسای این اداره خواستار حمایت هر چه بیشتر شدند.

کارگران با بیان این که اشتغال در این منطقه تنها بر دو حوزه کشاورزی و واحدهای شن و ماسه استوار است تاکید کردند؛ با توجه به وضعیت آب، بارندگی و خشکسالی در منطقه شرق اصفهان کشاورزی از رونق افتاده و تمام امید مردم منطقه به واحدهای تولیدی شن و ماسه است.

\*جمعی از کارگران شرکت قطعه سازی کرج روز چهارشنبه ۲۱ دی در مقابل مجلس رژیم تحسن کردند. به گزارش ایلنا، در این تجمع پلاکاردی خطاب به مسئولان در دست کارگران بود که بر روی آن نوشته شده بود: ما کارگران شرکت قطعه سازی فولادی کرج با بیش از ۲۰ سال سابقه کار به مدت ۱۰ ماه است که حقوق نگرفته ایم و این درحالی‌ست که با این سابقه کار از کار اخراج شدیم.

\*کارگران کارخانه ویتانا به دلیل تعویق ۴ ماه حقوق روز پنجشنبه ۲۲ دی در مقابل کارخانه دست به تجمع زدند. برات زارع که از کارگران شاغل در این واحد تولیدی است در گفتگو با خبرنگار ایلنا گفت؛ کارگران این واحد برای حل مشکلات خود به همه مقامات و ارگانهای مسئول نامه نوشته اند اما متاسفانه هیچ پاسخی شنیده نشده است.

\*روز یکشنبه ۲۵ دی، جمعی از کارگران نی بُر کشت و صنعت کارون شوشتر دست از کار کشیده و در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، این کارگران فصلی که به کار تخصصی بریدن نی اشتغال دارند خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و همچنین افزایش دستمزد ماهانه خود هستند.

**کارگرانی که در ماه گذشته به علت سوانح کار جان باختند**

رضا کشاورز، کارگران پالایشگاه نفت بندرعباس

آقایی ۴۰ ساله، کارگر کارگاه تولیدی پوشاک واقع در خیابان انقلاب

یک کارگر افغانی که به عمق چاه ۲۵ متری سقوط کرد

۶ کارگر در اثر ریزش ساختمان در حال احداث در تبریز

۳ کارگر در شیراز بر اثر سقوط آسانسور

کارگر ۳۰ ساله به دلیل برق گرفتگی در قم  
 علی محمد حسین بیگی کارگر کارخانه نساجی یزد  
 هومن کارگران کارخانه سیمان در حال ساخت خمسه  
 کارگر ۲۴ ساله زیر غلطک دستگاه بافندگی کارخانه فرش در اصفهان

### تعدادی از کارگران زندانی

ابراهیم مددی، نایب رییس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه،  
 رضا شهابی، صندوقدار و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد  
 محمد جراحی، فعال سندیکایی و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری  
 شیث امانی، عضو موسس اتحادیه آزاد کارگران ایران،  
 مهدی فراحی شاندیز، معلم و فعال سندیکایی،  
 میثم نجاتی عارف، دانشجو و فعال سندیکایی در شرکت خودرو سازی سایپای تهران،  
 شاهرخ زمانی، عضو هیات موقت بازگشایی سندیکای نقاشان،  
 محمد حسینی، فعال سندیکایی در شهر فیروزکوه،  
 علی نجاتی عضو سندیکای هفت تپه  
 بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری و فعال جنبش لغو کار کودک  
 شریف ساعدپناه، عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران،

**سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در  
 ایران را به شدت محکوم می کنیم.**

## جهان.....

### جهان در آینه مرور سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۱۸)

لیلا جدیدی

در این شماره می خوانید:

- آموزه اصلی جنبش وال استریت: انطباق سازماندهی و تاکتیک با شرایط
- سوگواری و پیام تسلیت برای کیم جونگ ایل نمودار سردرگمی دسته ای از "چپ" ها

#### آموزه اصلی جنبش وال استریت: انطباق سازماندهی و تاکتیک با شرایط

طی ۴ ماه که از آغاز جنبش وال استریت می گذرد، مردم آمریکا یا از نزدیک و یا از طریق رسانه ها شاهد صحنه های حرکت سرکوبگرانه پلیس این کشور بوده اند. استفاده از اسپری فلفل، ضرب و شتم با باتوم، دستگیری و بازداشت صدها نفر در هر منطقه، جمع آوری چادرها و بسیاری از محدودیتهای دیگر.

فعالان جنبش وال استریت اما بر این اعتقادند که این اعمال سرکوبگرانه به دو دلیل نه به زیان بلکه، به سود این جنبش تمام شده است. نخست آن که اعمال سرکوبگرانه همواره ماهیت ضد مردمی و غیر دموکراتیک دولتها را افشا می کند و حقانیت جنبش را به اثبات می رساند. سپس، اعمال محدودگرانه نه تنها قادر به خاتمه دادن به جنبش نیست، بلکه موجب رشد آن می شود، زیرا معترضان به این امر که مبارزه سخت و طولانی است، آگاه می شوند و از این رو سازماندهی، استراتژی و تاکتیکهای خود را صیقل می دهند. جنبش وال استریت علاوه بر سرکوب باید با سرما نیز دست به گریبان می

شد. زیر برف و باران در چادرهای نازک و به طور شبانه روزی در میدانها و پارکها بسر بردن کار آسانی نیست. اگر چه در بسیاری از شهرها، چادرها توسط پلیس برچیده شد، اما کوشندگان می گفتند، مهم نیست که در چادرها بمانند، مهم این است که در همان نقاط برگزیده تجمع کنند و جنبش را زنده و پویا نگاه دارند.



هنگامی که اشغال وال استریت در ماه سپتامبر ۲۰۱۱ در "زوکاتی پارک" واقع در شهر نیویورک به ابتکار یک گروه فعال کانادایی بنام "ادباستر" آغاز شد، فعالان این جنبش اعلام کردند که این "آغاز" است؛ آغاز آموزش و سازماندهی مردم برای اهدافی بزرگ و دراز مدت. این اهداف، پایان بخشیدن به کنترل دولت با پول و میلیتاریسم و جابجایی قدرت از بالا به پایین بود. معترضان گفتند، اشغال مراکز عمومی ایده ای است که زمان تاریخی آن فرا رسیده است.

دیری نپایید که در ۱۲۰۰ منطقه در سراسر کشور چادرها بر پا شد. این جنبش به سرعت نیروی سیاسی تازه ای را ایجاد کرد و "معارض"، "فرد برگزیده سال" شد. جنبش اشغال درک می کرد که جابجایی قدرت بسیار بیشتر از اشغال این مراکز کار دارد.

در این باره فعالان جنبش در واشنگتن دی سی می گویند: "ما نیاز به سازماندهی در ۴ شکل داشتیم:

- ۱- تظاهرات مسالمت آمیز و مقاومت مدنی
- ۲- تحریم بانکها و موسسات مالی موجود که اقتصاد را در دست دارند
- ۳- ریختن طرحهایی جدی برای انتقال اقتصاد از دست کمپانیها و تبدیل آن به اقتصاد مردمی
- ۴- انتقال قدرت سیاسی به دست مردم"

فعالان اعلام کرده اند که بر اساس یک همه پرسی از تمامی کسانی که در اشغال "میدان آزادی" واشنگتن شرکت داشته اند، سازماندهی خود را از این پس این گونه ادامه خواهند داد:



۱- **ادامه اشغال میدان آزادی:** دستاوردهای استقراری در این مکان چشمگیر بوده است. آنها می گویند: "ما نشان دادیم چگونه افراد گوناگون با تفاوتیهای اقتصادی، موقعیتی، نژادی و گرایش سیاسی می توانند در کنار هم زندگی و کار کنند و یک کمون را تشکیل دهند. استقرار در خیابان "پنسیلوانیا" که بین مجلس و کاخ سفید واقع شده به ما این فرصت را داد تا به هزاران نفر دسترسی پیدا کنیم. علایم، شعارها و برهه های ما، روزنامه ما ( واشنگتن پست اشغال) و گفتگو با مردم، پیام ما را رسانده است."

در زمستان تعداد افرادی که در چادرها می مانند، کمتر می شود اما این به معنای پایان کار نیست، بلکه فعالان از فرصت استفاده کرده و بدون وقفه کمپینهای گوناگونی تشکیل داده اند. از جمله کمپین علیه شکنجه، کمپین علیه دادگاهها، کمپین آرزو (اشاره به سخنرانی معروف مارتین لوتر کینگ من آرزویی دارم) و غیره...

۲- **خانه صلح و سازماندهی مقاومت ملی:** خانه ای از سوی یک زن و همسر وی به فعالان اهدا شده است که آن را "خانه صلح" نام گذاشته اند. تعدادی از معترضان "میدان آزادی" در "خانه صلح" مستقر شده و برای سازماندهی حرکت اعتراضی بزرگی به نام "اشغال ملی واشنگتن دی سی" که روز ۳ مارس برگزار می شود، مشغول به کار هستند. در این روز تمامی معترضانی که در کمپهای مختلف در شهرهای گوناگون سراسر کشور فعالیت می کنند یا کرده اند، برای یک حرکت بزرگ اعتراضی به پایتخت می آیند.



۳- **خانه مانت رینر:** عده ای دیگر از معترضان در یک مرکز دیگر برای سازماندهی آنچه که "اشغال اقتصاد" و "اشغال رسانه ها" نامیده می شود، استقرار یافته اند. در این خانه، فعالان برای ایجاد یک ساختار اقتصادی دمکراتیک که آلترناتیو اقتصاد کمپانیها است، فعالیت می کنند.

از آنجا که امسال "سال بین المللی تعاونیها"ی سازمان ملل است، معترضان برای ایجاد تعاونیهایی که صاحبان آن کارگران هستند، تلاش می کنند. آنها اعلام کرده اند که مدل اقتصاد دمکراتیک در وب سایتها برای شرکت دادن کارگران

در آن شروع به کار خواهد کرد. همچنین یک برنامه تلویزیونی نیز در دست تهیه قرار گرفته است. فعالان توضیح می دهند که هر دو خانه به صورت همیاری اداره خواهد شد و انتظار دارند که این طرح در سراسر کشور به تدریج رایج شود. هر جنبشی که علیه استبداد و بی عدالتی مبارزه می کند، بدون شک با مقاومت ستمگران روبرو می شود. جنبش وال استریت برای مقابله با این مقاومت راههای تازه ای یافته و با نشان دادن اراده خود، بسیاری دیگر را به صحنه کشانده است. این است آموزه اصلی و گرانبهای این جنبش نو پا!

### سوگواری و پیام تسلیت برای کیم جونگ ایل نمودار سردرگمی دسته ای از "چپ" ها

سوگواری و ارسال پیام تسلیت برخی از به اصطلاح مدافعین سوسیالیسم در مرگ کیم جونگ ایل، رهبر عزیز کره شمالی، یادآوری این امر که سوسیالیسم از دید ما چه تفاوتی با دیدگاههای این جریانات دارد و این تفاوت تا چه میزان دارای اهمیت است را ضروری می کند. این ضرورت از آنجا برجسته می شود که از یک سو مواضع این عده در برابر جمهوری اسلامی نیز بسیار همگون با سیاست "کره" ای آنها است و از سوی دیگر، برخی از راست گرایان فرصت را غنیمت شمرده تا با جا زدن این تفکر با سوسیالیسم، آن را خدشه دار کنند.



از آنجا که در سالهای گذشته به علت محدودیت شدید رسانه های کره شمالی، اخبار دقیقی از حکومت مرموز "کیم" ها به بیرون درز نکرده، بخشی از بازماندگان جنگ سرد از نوع ایرانی آن تا اروپایی و آمریکایی که زحمت تحقیق در این باره را به خود نداده اند، تنها به استناد خبرهای کاملاً کنترل شده و محدود حکومتی، دچار خیالپردازی در مورد حکومت و رهبری این کشور شده اند. این عده در وب سایتهای خود به هذیان گویی پیرامون اقدامات مهم و سوسیالیستی این دیکتاتوری موروثی و رهبر مقتدر و -از بسیاری جهات پریشان حال- آن پرداخته اند. آنها پیامهای تسلیت خود را با اهدای مدال "استقامت و ایستادگی" به حکومت "کیم جونگ ایل" روانه مزار این دیکتاتور که اکثریت مردم کشورش در فقر و تنگدستی و بدون ذره ای آزادی زندگی می کنند، کرده اند. ادعای "مدل سوسیالیسم" بودن این کشور، میزان آگاهی و شناخت این جریانات را هم از سوسیالیسم و هم از کره شمالی به نمایش گذاشته است.



"دیوید وایت هاس" که یک مقاله نویس و تحلیلگر چپ است، در این باره می گوید: "اگر کسی ادعا کند که مارکس و انگلس را مطالعه کرده، به راحتی می تواند علایمی را در کره شمالی مشاهده کند که به او بگوید، خبری از سوسیالیسم در این کشور نیست."

## برای نمونه به برخی از ویژگیهای حکومت "کیم جونگ ایل" می پردازیم

۱- **نابرابری:** این "رهبر عزیز" شخصا دارای در آمدی بسیار بالاتر از در آمد متوسط مردم در این کشور است، به طوری که هیچکس نمی تواند منکر رفاه کامل او و خانواده اش باشد. "کیم جونگ" همچنین امتیازات و امکانات برجسته ای به کمپانیهای بزرگ داده است، در حالی که همگی آنها به دست اقوام ثروتمند وی اداره می شود. در مقابل، گفته شده که در طول این سالها، میلیونها نفر بر اثر قحطی، گرسنگی و شرایط سخت زندگی جان خود را در این کشور از دست داده اند. کودکان این کشور، تحت حاکمیت "کیم جونگ ایل" از تغذیه مکفی برای رشد بی بهره بوده اند و سالانه هزاران زن جوان کره ای در مرز با چین فروخته می شوند.

۲- **رژیم موروثی:** کیم، همانطور که قدرت را از پدر در سال ۱۹۹۴ به ارث برده بود، آن را به پسر خود منتقل کرد. پسر رهبر، "کیم جونگ اون"، به مدت دو سال در تمامی نشستهای مهم و رسمی پدرش شرکت کرده تا برای به دست گیری قدرت آماده شود. برای یادآوری به دسته ای که منتقد بوش و سوگوار کیم جونگ هستند، باید گفت، بیچاره بوش پسر که حتی به این حد هم از پدر آموزش ندیده بود!



۳- **میلیتاریسم:** "کیم جونگ" پس از مرگ پدر توجه و امکانات مالی وسیعی را صرف میلیتاریزه کردن کشور کرد و بدین صورت ساختار قدرت "حزب کارگران" را که پدر وی بر آن تکیه داشت، دور زد. این حزب از سال ۱۹۸۰ یک کنگره عمومی هم برگزار نکرده است.

"سلیگ هاریسون" در کتاب "بازی پایانی کره ای" می گوید: "استراتژی کیم در مورد ارتش این بود که ژنرالهای نسل قبل را با ژنرالهای نسل جوان به طور کلی جابجا کند تا بتواند کنترل کامل را به دست گیرد." برخی از "چپ" ها از هژمونی ارتش در این کشور استقبال می کنند، زیرا تصور می کنند بدین صورت کره شمالی می تواند در برابر تهدید آمریکا پایداری کند و این را یک پرنسیب سوسیالیستی به حساب می آورند. این عده توجه ندارند که

در واقع هدف اصلی "کیم جونگ" تحکیم قدرت خود در صحنه داخلی بوده است. آنها رفتار دیکتاتور مابانه و ستمگرانه وی نسبت به مردم این کشور را بی اهمیت به حساب می آورند. در سال ۱۹۹۹ حزب حاکم به رهبری "کیم" در بیانیه ای می گوید: "فلسفه انقلابی ما این است: ارتش همان حزب، مردم و دولت است."

افزون بر آن، "کیم جونگ" دانش تسلیحات هسته‌ای کره شمالی را به مثابه عاملی کلیدی برای حفظ قدرت و ابزاری در سیاست خارجی به کار برده است. رژیم کره شمالی همواره مورد سووژن بوده که بخشی از این دانش را در اختیار رژیمهای فاسدی همچون پاکستان، لیبی و جمهوری اسلامی قرار داده است.

**۴- مددهای اجتماعی:** برخی از شیفتگان سلسله پادشاه "کیم"، تکیه بر سیستم مددهای اجتماعی، آموزش و پرورش و مسکن مجانی در کره شمالی دارند و آنرا نشانه‌های سوسیالیسم می دانند. اما آنها بدین نکته توجه نمی کنند که تمامی نهادها تحت کنترل کامل دولت است و کارگران به شکل دمکراتیک دولت را کنترل نمی کنند. گویا قدرت کارگری یک عامل مهم و تعیین کننده در سوسیالیسم نباید باشد!

"دیوید وایت هاس" در اینجا نیز پیرامون به تاکید مارکس و انگلس مبنی بر این که "معنی سوسیالیسم برنده شدن در نبرد برای دمکراسی است" و "رهایی طبقه کارگر به دست خود کارگران است"، اشاره می کند.

**۵- وضعیت اجتماعی:** خاندان کیم در طول دهه هایی که بر کره شمالی حکمفرما بوده‌اند، مردم این کشور را از سنین خردسالی وادار کرده اند که به "کیم ایل سونگ"، بنیانگذار نظام حاکم و "کیم جونگ ایل"، "رهبر محبوب" این کشور، با نگاهی مذهبی - فاشیستی ابراز علاقه کنند.

در کره شمالی، اینترنت به مفهومی که در جامعه جهانی شناخته می‌شود، وجود ندارد و در عوض، شبکه داخلی ویژه‌ای راه‌اندازی شده است که کاربران در محدوده‌ای مشخص و مورد تایید نهادهای حاکم بر کشور می‌توانند به اطلاعات دسترسی داشته باشند. شبکه تلفن به صورت بسیار محدود و ابتدایی وجود دارد و تماس تلفنی با خارج می‌تواند مجازات مرگ در پی داشته باشد.

برآورد می‌شود که سالانه نزدیک به سه هزار نفر از ساکنان کره شمالی به کره جنوبی فرار می‌کنند و تمام آنها ماهها در کلاسهای ویژه دولتی حضور می‌یابند تا یاد بگیرند که چطور با فناوری و زندگی مدرن در قرن ۲۱ کنار بیایند. بی‌جهت نیست که گفته می‌شود، افرادی که از این کشور فرار می‌کنند و به کشور همسایه (کره جنوبی) پناه می‌برند، این حس را دارند که گویی به سیاره دیگری پا گذاشته‌اند.



ترویج کیش پرستش شخصیت در یک کشور توتالیتر، کنترل و زیر نظر قرار دادن شهروندان، سرکوب پلیسی و نظامی که نیروهای آن بی وقفه در خیابانها تحت پوشش حفظ امنیت رژه می‌روند، اقتصاد کاملاً متلاشی که قحطی و گرسنگی به بار آورده، فقدان کامل آزادیهای سیاسی و نقض تمام عیار حقوق بشر تحت حکومت ۱۷ ساله این "رهبر محبوب" را آیا می‌شود نشانه‌های سوسیالیسم به حساب آورد؟ در هیچیک از این موارد نشانی از سوسیالیسم که کنترل دمکراتیک توده مردم بر دو امر پایه ای سیاست و اقتصاد را شامل می‌شود، دیده نمی‌شود.

روزانه بسیاری از زحمتکشان این کشور برای رهایی از وضعیتی که به رهبری "کیم" ها اداره می‌شود، دست به فرار از مرزها می‌زنند که یا دستگیر شده و یا به گلوله بسته می‌شوند. تنها پاسخ به یک سوال که شما برای چه کسی سوگواری می‌کنید، می‌تواند میزان سردرگمی این بخش از به اصطلاح "مدافعان سوسیالیسم" را روشن کند.

تصادفی نیست که احمدی نژاد، رئیس جمهور دست نشانده خامنه‌ای، تاسف و تأثر جمهوری اسلامی از درگذشت "جناب کیم جونگ ایل، رهبر بزرگ جمهوری دمکراتیک خلق کره" را اعلام کرده و تحسین کنان، "تلاشهای بی‌بدیل وی را برگ زرینی در تاریخ آن کشور" می‌نامد زیرا نکات اشتراک بسیاری بین شیوه اداره دو کشور وجود دارد؛ همانطور که تشابهات زیادی بین مواضع این به اصطلاح چپها نسبت به حکومت ولی فقیه و کیم جونگ ایل وجود دارد.

## سال ۲۰۱۱ در آینه بحران، جنبش و انقلاب (۱)

جعفر پویه

سال پر تنش و پر سرو صدای ۲۰۱۱ به پایان رسید؛ سالی که تند بادهای خشم خروشان مردم، بسیاری از کشورها را درنوردید و در بعضی از آنها بنیاد قدرت را به کلی از جای درآورد. توفان زده های پرمدعی این سال اگر چه مدعی گذر از بحران هستند، اما نمی توانند تاثیر کلی اجتماعی-سیاسی آن را از دامن بزدايند. منهای توفان خشم مردم، در این سال طبیعت نیز شاخ و شانه کشید و در بعضی از مناطق، قدرت تخریبگری خود را با همه توان به نمایش گذاشت. سونامی وحشت آوری ژاپن را درنور دید و آب هر آنچه در دسترس بود را در نرمترین شکل ممکن با خشونت کامل از جای کنده و با خود برد. همچنین، بحران اقتصادی دامن قدرتمندترین پولهای جهان یعنی دلار و یورو را گرفت و حوزه مالی یورو را زمینگیر کرد. توفان خشم مردم از منطقه خاورمیانه عربی عبور کرد و پس از چرخیدن در اروپا به آمریکا رسید، وال استریت را تسخیر کرد و پایه جنبشی نوین و تازه را گذاشت که بحث و گفتگوی بسیاری در مورد را دامن زده است. هرچند بسیاری از بوقهای تبلیغاتی با ظاهری جانبدارانه اتفاقات منطقه خاورمیانه عربی را "شورش جوانان" در عصر حاضر معرفی کردند و با تلاشی پیگیر سعی کردند بین آن و شورشهای دهه ۶۰ اروپا همانندیهایی پیدا کنند، اما می توان گفت که آنها بیهوده سعی کردند تا پرده پوشاننده ای بر این حقیقت عیان بکشند که انقلابهایی که به تعویض رژیمهای استبدادی منجر شد، هیچ شباهتی به شورشهای دهه ۶۰ که مضمونی دیگر داشت و خواسته هایی دیگر، ندارد.

اگر به یک کلمه سال ۲۰۱۱ را سال انقلاب و دگرگونی توسط جوانان در کشورهای پیرامونی بنامیم، پر به بیراه نرفته ایم. این انقلابات نوین در عصر ارتباطات و تکنولوژی، جهان مجازی را به جهان حقیقی پیوند زد و اثبات کرد، به یمن توجه جوانان تحصیل کرده در مناطق بحرانی و استفاده بهینه و درست آنان از رسانه های دیجیتال، اتفاقی در جهان افتاده است که دیگر هیچ کس نمی تواند آنچه را می خواهد از دیگران پنهان کند و یا اخبار را آن گونه مخابره نماید که منافع صاحبان قدرت در خطر نیفتد. استفاده درست و دقیق جوانان از شبکه های اجتماعی آنلاین و مبادله سریع اطلاعات، اطلاع رسانی و خبردهی همزمان، سازمان دهی نیروها و جابجایی برق آسای آنها در غافلگیری نیروهای سرکوبگر، وحشت قدرتهای زورگو و صاحبان قدرت را رقم زد.

به این دلایل می توان گفت که خطر فشردن گلوی این شاهراه ارتباطی توسط صاحبان انحصارات قدرتمند جهانی وجود دارد و امکان محدود شدن استفاده عمومی از آن به دلیل واقعیت یافتن پیوند جهان مجازی و حقیقی و خطری که می تواند از این سمت قدرتمداران و غارتگران را تهدید کند، هست. همکاری کمپانیهای بسیار معروف و صاحب نام عرصه تکنولوژی دیجیتال با دیکتاتورها و مستبدان بدنامی همچون علی خامنه ای و بشار اسد نشانه ای است از این که در این عرصه، پول و منافع کمپانیهای انحصارگر از هر موضوعی برای آنها مهم تر است. توجه به سود بیشتر و درآمد بالاتر، توجیه گر همکاری نکبت باری است که دست سرکوبگران را در دست این شرکتها می گذارد؛ هنگامی که امکان رد یابی و شناسایی ارتباط یافته گان و کنترل مکالمات تلفنی و اینترنتی و رد یابی و تحت نظر قرار دادن آنان توسط صاحبان تکنولوژی به سرکوبگران اهدا می شود تا جلو پیشروی قدرت مردم در استفاده درست از آن گرفته شود. زیرا هدف نهایی آنانی که این ابزار ارتباطی را در اختیار عموم قرار داده اند، سهولت بخشیدن به زندگی و ارتباط سریع تر و استفاده بهینه نبوده و نیست، بلکه منطق سود بیشتر، آنان را واداشته است تا با دروغی بنام خدمت به مردم، تولیدات خود را به بالاترین قیمت بفروشند و آن را تبدیل به یک ابزار همگانی نمایند. اما آنگاه که عدم استفاده دلخواه آنان از این ابزارها مشخص می شود، برای آنها فرقی ندارد که کنترل کننده کیست، سید علی یا بن علی، بلکه مهم پول و درآمد بیشتر است، که شمارگان صفر جلو اعداد اهدایی، چشم هر صاحب صنعتی را کور می کند. و این گونه آنان تبدیل به همکاران دستگاه اطلاعاتی و شکنجه گرانی می شوند که تن و روح جوانان آزادیخواه و ناراضی از دیکتاتوری و خشونت را مورد تجاوز و شکنجه قرار می دهند.

این بزرگترین دوگانگی افشا شده سال ۲۰۱۱ در استفاده از تکنولوژی ارتباطات در جنبش مردم و صاحبان کمپانیهای تولید کننده بود.



اما از این که بگذریم، توفان برخواستہ از تونس پس از درهم کوبی بنیان قدرت بن علی، راهی مصر شد و در میدان تحریر اردو زد. جوانان و مردم مصر، عاصی از دیکتاتوری موروثی شده حسنی مبارک، در یک رویارویی نفس گیر، بالاخره موفق شدند حکومت را به زانو درآورند و ارتش را وادار به عقب نشینی کنند. به زیر کشیدن رژیم مستبد مبارک روزهای خوش و شادی در همه جهان به نفع جوانان و مردم مصر رقم زد. اما این شادی و شوق دیری نپایید و ثابت شد، انقلابهایی از این دست، بدون احزاب قدرتمند مردم و شرکت سازمان یافته سازمانها و نهادهای مدنی مردمی، می تواند به سرعت توسط سیاست بازان و دغلکاران بند و بست باز به یغما رود و سر مردمی که روزهای متمادی در میدان مبارزه تلاش کردند، بی کلاه بماند.

هنوز جهان درگیر چند و چون اتفاق مصر بود که لیبی آماج حمله جت‌های ناتو قرار گرفت. تنها یک قطعهنامه کم رقم سازمان ملل برای برقراری منطقه پرواز ممنوع کافی بود که فرانسویها با جت‌های جنگی خود آسمان و زمین لیبی را شخم بزنند و با بمب و موشک، قدرت قذافی را به چالش بگیرند. جامعه عشیرتی-قبیله ای لیبی با حداقل نهادهای مدنی به دلیل قدرت بی چون و چرای قذافی، به ناگهان از هم گسست و عناصر رها شده آن که بیشتر به صدای گلوله از تفنگ‌های اهدایی دلخوش داشتند تا عواقب سر و صدای آن، کاری کردند که پایان آن را خود هرگز نخواهند توانست حدس بزنند. کینه های قومی و قبیله ای به همراه چشم و هم چشمیهای بزرگ شده از سوی دیگران، با رقابت از پیش ساخته بین شهرهای قبیله نشین و قبیله های بیابان گرد، خیابانها و بیابانها لیبی را تبدیل به صحنه های فجیعی کرد که باور آن برای کسی که در قرن حاضر زندگی می کند، غیر قابل باور است. لوله های تفنگ، بی هدف هر جنبنده ای را هدف قرار داد. حتی حیوانات خانگی نیز به دلیل عبور از کوچه یا خیابان طرف مقابل مورد هجوم قرار گرفتند و در این حمام خون آنچه به چشم نیامد، مبارزه برای دموکراسی و به زیر کشیدن دیکتاتور بود. تفنگچیهای مسلح شده، بدون هدف تنها قتل و کشتار را می فهمیدند و خون تنها نشانی بود که از این اتفاق بر در و دیوار و خیابانها به جای ماند. هرچند معمر قذافی به شنیع ترین شکل ممکن توسط همین اوباش به قتل رسید، اما آنچه امروز نمی توان در مورد آن حرف زد و یا حدس و گمان به کار برد. موقعیتی است که لیبی در آن گرفتار است.

یمن با حضور دیکتاتوری که بازی در میدان سیاست را به خوبی می داند، همچنان در کشاکش است. مردم عاصی بارها صالح را وادار به کاری کرده اند که او هرگز در نظر ندارد انجام دهد. واگذاری قدرت، کناره گیری آرام، دست کشیدن از سرکوب و انجام اصلاحات بنیادین، کلماتی است که توسط دو طرف دستمالی می شود، اما تا کنون موفقیتی که بتواند علی عبدالله صالح را وادار به ترک قدرت و یا انجام اصلاحات بنیادین کند، برای مردم بدست نیامده است. بحرین کشوری کوچک با سر و صداهایی بزرگ در این سال بود. لشکر کشی عربستان سعودی به آنجا و کمک برای حفظ قدرت، مردم را عقب راند. خواست حکومتی شیعی که طرفداران رژیم ایران در بحرین آن را تبلیغ می کنند، باعث شده است تا دامن اعتراضات مردم توسط اینان تر شود و ترس از رژیمی بنیادگرا و بحران ساز در صورت پیروزی جنبش مردم، توجیه گر سرکوب آنان گردد. اما بسیاری از مردم هنوز از خیابانها به خانه باز نگشته اند و کشاکش در بحرین همچنان ادامه دارد.

سوریه کشور دیگری است که توفان خشم مردم به آن رسید. دیکتاتوری موروثی خانواده اسد به هیچ وجه خیال کنار کشیدن از قدرت یا اصلاحات سیاسی و شنیدن صدای مردم را ندارد. رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا از سیاست سرکوب مردم در سوریه دفاع می کند و بر خلاف ادعاهایی که تا کنون مطرح می کرده و خود را الگوی مردم عصیان زده می نامید، نشان داد چیزی بیش از یک سرکوبگر بی وجدان و شرف نیست. ارسال اسلحه به سوریه، کمکهای نظامی و تسلیحاتی و امداد رسانی نیرویی و اطلاعاتی برای سرکوب مردم و راهنمایی برای کنترل سیستم ارتباطی و رد گیری و انقلابیون و قتل درمانی آنان از راهکارهای رژیم ولایت فقیه در همکاری با رژیم سوریه است. به دلیل بحران در مرزها، رابطه ترکیه و سوریه به تیرگی گرایید و مرزهای دو طرف محل نزاع و کشاکش شد. دفاع ظاهری ترکیه از جنبش مردم سوریه را می شود حاصل آن دانست. دفاع ترکیه از جنبش مردم در سوریه به شوخی ای شبیه است که دولت اسلامگرای میانه رو ترکیه در دستور قرار داده است. دولتی که هیچ معترضی را در داخل کشور خود بی نصیب نمی گذارد و به قتل و کشتار کردها به شدیدترین شکل ممکن ادامه می دهد، حال مدافع مردم سوریه شده است با اشک تمساحی بر گونه تا این گونه در بین کشورهای اسلامی برای خود وجهه ای دست و پا کند. دولت ترکیه سعی می کند تا به کمک دیگران جای یکه تازیهای

رژیم ایران با کمک دلارهای نفتی را با حرفهایی بی پشتوانه در منطقه بگیرد. به همین دلیل رقابتی تنگاتنگ بین دولت ترکیه و رژیم ولایت فقیه در جریان است. این رقابت و ظاهر سازی در منطقه باعث شده است که تا کنون کفه ترکیه بر کفه رژیم سیدعلی بچربد و نسبت به آن دست پیش را داشته باشد.

هر چند کشورهای دیگر منطقه به سوی شمال آفریقا به خصوص الجزایر، اندکی ساکت و کمتر جنب و جوشی به شکل بقیه در آنها دیده شده است. اما نمی توان تاثیر این اتفاقات را در آنها نادیده گرفت. علت انتظار را می توان سبک و سنگین کردن نتایج به دست آمده برای توفان زدگان از سوی دو طرف جبهه قدرت در این کشورها دانست. اما رویدادها در منطقه خاورمیانه عربی کاملن فروکش نکرده بود که دامنه این گردباد توفانی به اروپا رسید. حاشیه نشینان عاصی انگلیس، جرقه ای به دامن باروت بغض فرو خورده شان زده شد و به یکباره خیابانهای لندن شاهد صحنه هایی گردید که هیچکس فکرش را هم نمی کرد. جوانان رنگین پوست لندن با توسل به اینترنت و تلفنهای همراه، صحنه های تجمع را به سرعت از منطقه ای به منطقه دیگر کشاندند و چنان در این عرصه برق آسا عمل کردند که پلیس کارکشته انگلیس تبدیل به تماشاگر عملکرد آنان شد. بغض فرو خورده نابرابری و فقر جوانانی که در حسرت لباس و کالاهای گران قیمت تنها تماشاگر ویتزینهای پر زرق و برق بودند، دامن فروشگاههای شهر را گرفت و در اندک زمانی، صحنه اعتراضات تبدیل به غارت فروشگاهها گردید. این دستبرد و غارتگری، باندهای سازمان یافته جنایی را نیز وارد میدان کرد و فرصت را برای پلیس عقب مانده از سرعت عمل جوانان فراهم آورد. به سرعت جنبش اعتراضی تبدیل به صحنه عمل باندهای سیاه شد و از غارت فروشگاهها به منازل شخصی مردم کشیده شد. دست روی گذاشتن آتش نشانی برای هرچه بیشتر بدنام کردن جنبش، آتش سوزیهای بزرگی را دامن زد. مقامات مسوول که در تعطیلات تابستانی بسر می بردند، به کشور بازگشتند و با دادن آماده باش به پلیس و نیروهای سازمان یافته، با تمام قوا وارد میدان شدند تا شکستی سخت را برای میدان دارانی که تبدیل به باندهای جنایی شده بودند، رقم زنند. دستگیریهای گسترده و کور، دادگاههای سرپایی و محکومیتهای بزرگ و کوچک تنها به جرم حضور در خیابان، حاصل این اتفاق بود. مجرمهای حرفه ای و فرصت طلب گریختند و تنها جوانانی به تور پلیس افتادند که بی خبر از همه جا به تماشا یا همراهی به پیامهای کوتاه تلفنی به مناطق مورد نظر رفته بودند.

نتیجه این اتفاق بار دیگر عدم حضور قدرتمند تشکلهای اجتماعی به ویژه سازمانهای مردم نهاد و عمومی که نه تنها ابتکار عمل بلکه هژمونی میدانی را در اختیار داشته باشند را به خوبی به رخ کشید. تنها سود از کنترل خارج شدن اعتراضها و تبدیل شدن صحنه های اعتراضات به غارت و آتش زدن محلهای عمومی، دست بالا پیدا کردن پلیس و دولتی بود که برای توجیه عمل و بی توجهی خود به اقشار فرو دست نیازمند بهانه ای دندانگیر بود که فراهم گشت.

اما اعتراض به هم اینجا ختم نگردید و توفان اعتراضات بعد از گشت و گذار در بریتانیای -اندکی کبیر- به آمریکای شمالی رسید و در وال استریت اردو زد. مرکز مالی بزرگترین قدرت اقتصادی جهان و مدعی کدخدایی آن تبدیل به اردوگاه گروهی جوانانی شد که خشم و نفرت خود را از صاحبان پولهای تلنبار شده و بی توجهی آنان به مردم را فریاد می کردند. جنبشی که یکپارچه فریاد می زد "وال استریت را اشغال کنید!"، همچون جرقه ای به باروت خشم عمومی خورد و به ناگاه جنبشی اعتراضی، ابتدا ایالتهای آمریکای را درنوردید و سپس از آنجا عبور کرد و به اروپا باز آمد. جنبشی که از این سوی آب با بارقه های از امید به تغییر آغاز شده بود، در آمریکا تبدیل به کل شد و کلیت سرمایه داری و نو-لیبرالیسم حاکم را مورد عتاب قرار داد. چپها و کمونیستهایی که تا کنون وجود و حضور آنان حاشا می شد، دست بالا را پیدا کردند و به سازماندهی کف خیابان پرداختند؛ با توجه به این که این بار اجازه تبدیل جنبش به آلت دست اوپاش و باندهای سیاهی که سرخ آنان در جاهایی معلوم قرار دارد، داده نشد.

"یک درصدیها" توسط "۹۹ درصدیها" مورد خطاب قرار گرفتند و اعتراض به محرومیت از امکانات آموزشی، فقر و بیکاری و بار کردن بحران مالی سرمایه داران بر دوش فقرا تبدیل به پرچم آنان شد. عملکرد سرمایه داری به زیر سووال کشیده شد و آینده نامعلوم میلیونها انسان که تحت تاثیر آثار زیانبار بحران ناشی از فشارهای روز افزون اقتصادی و مالی قرار دارند، مورد پرسش قرار گرفت. بیمه عمومی، رفاه اجتماعی و بهداشت مساله روز شد و بی عدالتی ای که سرمایه داری برای سود بیشتر بر جهان حاکم کرده، مورد بازخواست قرار گرفت.

این تظاهرات اعتراضی تبدیل به اردوهای شد که بیش از آن که شکل تحصن داشته باشند، مدرسه‌هایی برای آموزش و یادگیری و یاد دهی است. افراد با تجربه‌تر وظیفه آموزش جوان‌ترها و انتقال تجربه‌های خود به آنان را به عهده گرفتند و جوانان با انتقال آموخته‌های خود، به کارگیری تکنولوژی برای ارتباط و آموزش و سرعت عمل را به عموم یاد دادند. لجن مال کردن این اردوهای ایستگاهی برای انتقال تجربه، در دستور کار بوقهای تبلیغاتی صاحبان قدرت قرار گرفت و چادرهای آنان را محل رد و بدل مواد مخدر و یا انجام بزه اجتماعی و قانونی نامیدند. بار دیگر مهندسی افکار عمومی هنگامی که پلیس را در سرکوبی جنبش اعتراضی ناتوان یافت، وارد میدان شد تا آموخته‌های تاکتونی خود را به کار گیرد. گزارشگران مزدبگیر وارد کار شدند تا آنچه که به آنها دیکته شده را واقعیت جا بزنند و به شنوندگان و بینندگان دستگاه تبلیغاتی خود بقبولانند.

از فراز و فرود توفان خشم مردم در این سال که بگذریم، اتفاقات دیگری نیز به چشم آمد که مرور آنها می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

جایزه نوبل صلح این سال به سه زن تعلق گرفت. دو بانوی لیبریایی و خانم "توکل کرمان" از یمن به طور مشترک برندگان نوبل صلح اعلام شدند. خانمها "الن جانسون سیرلیف"، نخستین زن آفریقا و "لیما گبوی"، فعال حقوق بشر، نوبل صلح را به طور مشترک به خانه بردند تا این سال نیز به نام بانوان صلح دوست رقم زده شود. اما در عرصه‌های دیگر نیز در این سال زنان خوش درخشیدند. جنبشی که "بهار عربی" نام گرفت، زنان بی حقوق جامعه شهری مصر و یمن و تونس را به خیابانها کشاند. زنان فرهیخته‌ای که بار بخش بزرگی از این جنبشها را به دوش گرفتند تا اثبات کنند جامعه کنونی بدون دخالت و حضور آنان کم و کاستیهای فراوانی خواهد داشت. حضور پر رنگ این زنان در همه عرصه‌ها آنچنان درخشان بود که چشم بسیاری را در اقصا نقاط جهان که درباره آنان به گونه‌ای دیگر فکر می‌کردند، خیره کرد. این که آیا این زنان می‌توانند سهمی درخور از کار و مشارکتی که در آن شرکت داشتند را دریافت کنند، هنوز در پرده ابهام قرار دارد. اما از هم اکنون می‌توان گفت، بازگرداندن این زنان به خانه و آشپزخانه نشین کردن آنان کاری است نشدنی، زیرا آتش افروزان خیابانها و درگیرشدگان رویارو با پلیس و سرکوبگران برای حقوق حقه خود را مشکل بشود به راحتی پس زد و وادار کرد که خواسته و حقوق خود را فراموش کنند. ترس و وحشت از همین زنان باعث شده است که حکومت تا مغز استخوان فاسد و مرتجع آل سعود در عربستان اعلام کند که زنان این کشور از سال ۲۰۱۵ حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در شورا‌های محلی عربستان را خواهند داشت. کوبیدن میخی چنین بزرگ در چشم حاکمان عصر بادیه نشینی عربستان را می‌توان پیروزی بزرگی دانست که حاصل ترس و وحشت آنان از توفان منطقه است تا امکان اصلاح و یا سرعقل آمدن آنان، که از قدیم گفته‌اند: نرود میخ آهنین در سنگ.

در برزیل، چریک چپ گرای زندانی چند سال قبل، خانم "دیلما روسف" به ریاست جمهوری این کشور رسید. او زنی محبوب در آمریکای لاتین است که مردم به او لقب "بانوی آهنین" داده‌اند. با ورود او به کاخ ریاست جمهوری، باشگاه رهبران سیاسی جهان به دهمین زن رییس جمهور خود خوش آمد گفت. انتخاب "دیلما روسف" به عنوان یکی از رویدادهای برجسته این سال در تقویم جهان ثبت شده است. او همچنین نخستین زنی است که در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱ اجلاس عمومی سازمان ملل را افتتاح کرد و گفت: "من کاملاً مطمئن هستم که این قرن، قرن زنان خواهد بود." سال ۲۰۱۱ همچنین سالی است که همچنان فقر و فلاکت بالای جان زنان بسیاری از نقاط جهان است. هنوز در کشورهای توسعه نیافته و فقیر، بیشترین آمار مرگ و میر را زنان و مادران فقیر دارند. زنان با دستمزدی به مراتب پایین‌تر از مردان به کار گرفته می‌شوند و فرصتهای شغلی به شکلی غیر عادلانه به آنان عرضه می‌شود. بر اساس یک ارزیابی، افغانستان پایین‌ترین نرخ متوسط عمر زنان را در جهان داراست. میانگین عمر زنان در این کشور حدود ۴۵ سال است. همچنین گزارش می‌شود که پس از افغانستان، کشورهای نیجریه، گینه بیساو، یمن، چاد، جمهوری دموکراتیک کنگو، اریتره، مالی، سودان و آفریقای مرکزی، واجد بدترین شرایط برای مادران هستند.

از زشت و زیبای جهان زنان که بگذریم، بحران اقتصادی و مالی بزرگ سال ۲۰۱۱ اتفاقی بود که گریبان منطقه پولی اروپا را گرفت. این بحران که با بدهی مالی یونان از سال قبل آغاز شده بود، ناگهان به مشکلی بزرگ تبدیل شد و منطقه مالی حوزه یورو را تا آستانه فروپاشی پیش برد. بسیاری این اتفاق را بی ارتباط با توفان خشم توده‌ها در منطقه عربی نمی‌دانند.

دانند، زیرا حاصل سر ریز کردن بحران مالی آنها در کشور مادر و سیر معکوس گرفتن این رابطه باعث شد که حوزه مالی یورو نتواند برنامه ها و تراز مالی خود را آن گونه که می خواهد سامان دهد و منجر به معضلی بزرگ برای آن شد. معضل یونان در منطقه یورو در چهار چوب آن کشور نماند و به سرعت خود را گسترش داد. در اثر این رویداد مشخص شد، ایرلند و پرتغال، اسپانیا و ایتالیا مانند یونان گرفتار مشکلی مشابه هستند و حاشا کردن آن نیز در این موقعیت کاری دشوار است. ناتوانی در بازپرداخت وامهای تاکنونی "اصل و فرع آن" و کسری بودجه بالای دولتها مشکل بزرگ آنان است. ناتوانی کمیسیونهای مالی اتحادیه اروپا برای توافق بر راهکاری درست، پای نهادهای مالی دیگری همچون صندوق بین المللی پول و دو کشور مدعی یعنی، آمریکا و چین را به ماجرا باز کرد. اینکه در آینده چه خواهد شد و حوزه مالی یورو برای برون رفت از این مشکل چه راهکاری را پیش خواهد گرفت، سووالبهایی است که پاسخ آنها در پرده ای از ابهام قرار دارد.

اما غیر از حوزه یورو، آمریکا نیز هنوز از زیر بحران مالی سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ نتوانسته خارج شود و وضعیت کلی اقتصاد آن در زیر بار بحران مالی نامعلوم است. انگلستان یکی دیگر از حوزه های پولی است که با رکود روبروست و ژاپن در حالی که با بحران روبرو بود، درگیر پیامدهای بسیار سنگین سونامی و فاجعه اتمی فوکوشیما شد که وضعیت آن را پیچیده تر کرده است. آهنگ رشد قدرتهای نوظهوری همچون چین، هند و برزیل که امید را به منطقه تولیدات صنعتی بازتاب می دادند، کندتر از گذشته شده و از بحران سیاسی کلی جهان بی نصیب نماندند. امکان این که کندتر شدن آهنگ رشد به یک بحران فرا روید و آنها را درگیر وضعیتی وخیم کند، دور از ذهن نیست. به همین دلیل بسیاری نگران اقتصاد چین، بزرگترین تولید کننده صنعتی ارزان قیمت جهان هستند. با رکود این اقتصاد و درگیر بحران شدن آن، امکان این که سیل عظیمی کلیت جهان سرمایه را بر بگیرد، موضوعی است که بسیاری درباره آن اظهار نظر می کنند.

این که وضعیت اقتصادی و سیاسی در همه پهنه های جهان درگیر بحران است، واقعیتی است آشکار، اما شرایط در ایران و رژیم ولایت فقیه به حدی بحرانی و غیر عادی است که غیر قابل باور می نماید. بسیاری از اهرمهای اقتصادی و مالی از کنترل دولت و پایوران آن خارج شده و ناتوانی در حل و فصل مشکلات و مدیریت بحران به خوبی قابل دیدن است. دست و پا زدن پایوران رژیم جمهوری اسلامی در زیر بار این بحرانها و هیاهو و تلاش برای صدور آن، راه به جایی نبرده است. همه تلاش رژیم برای بحران سازی یا درگیری محدود در خارج از مرزها و تلاش برای معرفی عامل بیرونی برای این مشکلات، تا کنون ناموفق بوده است. مردمی عاصی و ناراضی در زیر بار بحران اقتصادی و سیاسی دست و پا می زنند و رژیم برای حفظ قدرت مطلقه ی رهبر آن علی خامنه ای، هیچ امکانی را برای بقای خود از ذهن دور نمی دارد.

**آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران**

**در شبکه جهانی اینترنت**

**نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،**

**دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان**

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

[www.jonge-khabar.com](http://www.jonge-khabar.com)

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

[www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)

## آب-باری بر دوش زنان- حقوق بشر و سود شرکتها (بخش اول)

نویسنده: زحل ایشیلیورت گوندوز (Zuhal Yeşilyurt Gündüz)

منبع: مانتلی رویو

برگردان: آناهیتا اردوان

هیچ چیز حتی امکانات حیاتی برای نجات نسل انسان و حفظ زندگی و اکوسیستم در عالم جهانی شده، از استثمار تجاری توسط سرمایه جهانی در امان نیست. آب آشامیدنی سالم تنها دو نیم درصد از کل آبهای زمین را دربر می گیرد. امروزه، منابع چنین آبی آن چنان مورد دخل و تصرف، انتقال و غارت قرار می گیرد که بخش عظیمی از مناطق جهان را با کمبود آب مواجه ساخته است. محیط زیست در چارچوب سیاستهای نو-لیبرالیستی توسط اقتصاد کلان کنترل و به انحصار کشیده می شود. صاحبان شرکتها در حالی که سودی هنگفت را نصیب خود می کنند، منابع حیاتی بشر را با مشکلات عدیده ای روبرو و مورد تجاوز قرار می دهند. حق برخورداری همگان از امکان طبیعی آب در چنین شرایطی همه معنای ذاتی و ویژه خود را از دست می دهد و به تجارت یک کالا، محصول و محموله تبدیل می گردد. بدین ترتیب، طبیعت نیز به یک پدیده مجزا، سرشار از مواد مصرفی و ایزاری برای تولید سود، تعریف می شود.

بی تردید میان کنترل محیط زیست و بروز بی عدالتی اجتماعی رابطه ای وجود دارد، به این معنا که چگونگی رابطه کالایی انسان با طبیعت و انسانها با یکدیگر به طور جدایی ناپذیری بر یکدیگر تاثیر گذارند. خصوصی سازی، پادزهری در دست جهانی سازی سرمایه است. خصوصی سازی هر چه بیشتر، کانون رویکرد سازمانهای بین المللی مانند بانک جهانی، اتحادیه اروپا و صندوق بین الملل پول برای حل و فصل همه مشکلات دست به گریبان سرمایه است. بانک جهانی همه کشورها را بر اساس سیاست بازار آزاد به خصوصی سازی حقوق و امکان دسترسی آب به سود کمپانیهای جهانی ترغیب می کند. از یاد نبریم که ریشه مفهوم خصوصی سازی از کلمه لاتین "خصوصی" که به معنای محروم کردن و بی بهره کردن عموم است، گرفته شده است. بانک آلمانی "کامرس بانک" لقب "نفت قرن بیست و یکم" را به آب داده است. "کامرس بانک" عنوان می کند که نود درصد منابع آب سالم در دست بخش عمومی می باشد که مانع اصلی برای توسعه ساختارهای سرویس دهی آب محسوب می شود. این بانک، سیاست شهرها و روستاها مبنی بر خصوصی سازی هر چه بیشتر آب را ترغیب کرده و انتظار سود کلانی برابر با سیصد میلیارد دلار از این را دارد: "بازار آب پتانسیل بالایی برای توسعه دارد که قادر است، سود هنگفتی را نصیب شرکتهای بسیاری سازد."

"دویچه بانک" نیز همین سیاست حریصانه را دنبال می کند و به آب لقب "طلای آبی" می دهد که به طور فزاینده ای در حال کاهش است. این بانک اضافه می کند که حتی امروز نیز آب نسبت به رشد جمعیت، کالایی نادر است که با توجه به شرایط، حیاتی تر خواهد شد. در همین رابطه "دویچه بانک" توضیح می دهد که شرط لازم برای سود آور بودن یک کالا، نادر بودن آن است. ناگفته پیداست که ابراز شادمانی "دویچه بانک" پیرامون کمبود آب، با افزایش جمعیت چقدر خوفناک است. تمرکز جهانی پیرامون خصوصی کردن منابع آب جهت افزایش سرمایه، بسیار فشرده می باشد. کمپانی فرانسوی "سویزو ویلیا" ("ویوندی" سابق) تا چندی پیش دو سوم از سرویسهای آب رسانی خصوصی در جهان را تحت کنترل خود داشت. درآمد کمپانی "سویز" به تنهایی بیش از ۲۳۰ میلیارد دلار است که بیشتر از تولید ناخالص ملی بسیاری از کشورهایی می باشد که این کمپانی در آنها فعالیت دارد.

### پیامدهای خصوصی سازی آب

سازمانهای بین المللی، خصوصی سازی یا انحصاری کردن منابع آب را به عنوان نسخه ای برای حل همه مشکلات جانبی این ماده حیاتی مانند کمیابی، فضولات، مصرف بی رویه، آلودگی و تقویت شالوده سرویس دهی آب بهداشتی و سیستم فاضلاب و بازیافت امن و ایمن آب از آن، تجویز می کنند. اما در واقع مساله به گونه ی دیگریست. پیامد خصوصی سازی آب ویران کننده است. یک تحقیقات گسترده نشان داده است که خصوصی سازی آب نه تنها روند دسترسی به آب بهداشتی را برای همگان، به ویژه محرومان، افزایش نداده، بلکه به کاهش قیمت آب و کیفیت آن نیز یاری نرسانده است. بر اساس تحقیقات، تجاری کردن منابع و سرویسهای آبرسانی سبب تشدید همه مشکلات در رابطه با آب شده است. برای مثال، با گشایش یک شرکت آب بطری در اندونزی در سال ۲۰۰۲ در فاصله ی فقط بیست متر دورتر از منبع اصلی آب،

کشاورزان منطقه با مشکلات روزافزون آبیاری زمینهای خود مواجه شدند. چشمه های منطقه برای همیشه خشک شد و بسیاری از کشاورزان با از دست دادن شغل، دچار مشکلات معیشتی شدند. یا در نمونه ای دیگر، شرکت "کوکاکولا" بعد از بهره برداری بی رویه از ذخیره آبهای زیرزمینی منطقه "کراالا" واقع در کشور هندوستان و تبدیل این منطقه به کویر، زمینها را قطعه قطعه کرده و دوباره به دولت هند فروخت.

نهادینه شدن سیاست انحصاری سازی آب در هرمنطقه ای سبب شده که آب فقط به آنهایی که قادر به پرداخت هزینه گران آن هستند، عرضه شود و بیشتر برای فعالیتهای سودآور مورد استفاده قرار گیرد. به طوری که بیش از هفتاد درصد آب برای کشاورزی، بیست درصد برای فعالیتهای صنعتی و فقط ده درصد آن برای فعالیتهای خانگی استفاده می شود. در این میان صدای زنان که کمتر از مردان در نهادهای تصمیم گیری شرکت دارند، به گوش نمی رسد و میزان آسیب پذیری آنان به دلیل خصوصی سازی و کمبود آب، افزایش یافته است.

از آنجایی که منابع و سرویسهای آبرسانی بخش عمومی همچون بخش خصوصی در جستجوی سود یا حتی بازگشت کامل مخارج نیستند، بنابراین آب را به عنوان ماده ای حیاتی که می بایست در دسترس همگان قرار گیرد، در نظر می گیرند. این در حالیست که شرکتهای خصوصی خواستار بهره بیشتر و بازگشت همه مخارجی هستند که برای آبرسانی صرف کرده اند تا در شرایط رقابت بازار آزاد و مخصوصا شرایط بحران اقتصادی، ورشکست نشوند.

آب برای مردم یک نیاز حیاتی می باشد که در دسترس بودن آن می بایست تضمین شود. اما برای شرکتهای خصوصی یک کالای تجاری به حساب می آید. سرویسهای عمومی آبرسانی معمولا با سوپسید و یا کاهش قیمت تلاش می کنند تا امکان برخورداری از آب را برای کسانی که قادر به پرداخت هزینه مشخص نیستند، میسر سازند. شرکتهای خصوصی برعکس، چنین تعهد و مسوولیتی در قبال محرومان به عهده نمی گیرند.

سرویسهای همگانی آبرسانی تلاش می کنند بهای آب را به طور سالیانه یا کاهش دهند و یا حداقل به صورت ثابت نگاه دارند، در حالی که شرکتهای خصوصی به عنوان فروشندگان آب تلاش می کنند قیمت آب و سرویسهای آبرسانی را به طور مرتب افزایش دهند تا سود بیشتری را از آن خود گردانند.

سرویسهای عمومی آبرسانی به حفاظت از منابع آب و کنترل بهره برداری و مصرف بیشتر از شرکتهای خصوصی توجه دارند، در حالی که شرکتهای تجاری از مصرف بی رویه آب توسط آنانی که قادر به پرداخت بهای آن هستند، جانبداری می کنند تا با یک تیر دو نشان بزنند. زیرا مصرف بالاتر به کمیاب شدن آب کمک کرده و قادر می شوند برای سرویس دهی قیمت بیشتری را تقاضا کنند.

مصرف بی رویه آب باعث کاهش آن و ناپایداری سلامت محیط زیست می شود. فروشندگان عمومی آب در حالی آب را به معرض فروش می گذارند که به کیفیت، حفاظت محیط زیست، منابع دخیره ای و قابل اتکای آب، بهترین استانداردها و علایق عمومی اهمیت می دهند. برعکس، شرکتهای خصوصی بر اساس ماهیت و طبیعت خود به تنها چیزی که اهمیت می دهند، افزایش و انباشت سریع تر و افزون تر سرمایه است. بر اساس تحقیقات، مصرف کنندگان بعد از خصوصی سازی منابع و سرویسهای آبرسانی با افزایش قیمت بین ۱۵ تا ۵۰ درصد مواجه می شوند. آنها مجبور می شوند تا هر قیمتی که شرکتهای خصوصی تقاضا می کنند را بپردازند.

در این رابطه می توان به خصوص سازی آب توسط شرکت "ای ان بی دلیو" در شهر "اشتوتگارت" واقع در کشور آلمان اشاره کرد. شرکت مزبور در اولین سال در دست گرفتن سرویسهای آبرسانی، قیمت آب را ابتدا شش درصد و سپس به میزان هفت و نیم درصد افزایش داد. قیمت آب پیش از این و تا زمانی که توسط شرکتها و سرویسهای آبرسانی عمومی عرضه می شد، طی سالهای متمادی تغییر نکرده بود. شرکت "ان بی دلیو" در همین راستا رکورد بارآوری را شکست و میزان سود سالانه اش ۴۲ درصد افزایش یافت.

افزایش فروش آب در بطری، یکی از بازتولیدهای پر منفعت سیاست خصوصی سازی آب است. اگرچه تفاوت چندانی بین آب در بطری با آب شیر نیست، ولی بسیاری از خانواده ها برای حفظ سلامت خود و به ویژه فرزندان شان اقدام به خریدن آب بطری می کنند. شرکتها نیز با تبلیغ موفق شده اند تا روند گرایش به خرید آب در بطری را افزایش دهند و در این راستا سود بیشتری را نصیب خود گردانند. شک و تردیدها پیرامون این امر وجود دارد که شرکتها، آب لوله کشی را نیز غیرقابل مصرف می کنند تا مردم را مجبور به خریدن آب بطری کنند. آب در بطری در شکل و اندازه های مختلفی وجود

دارد، اما همه بطریقهها، پلاستیکی هستند که در نتیجه خرید آن باعث انباشت بیشتر آشغال و زباله می شود که به نوبه خود، محیط زیست را به شدت آلوده می سازد. نقل و انتقال بطریقه‌های آب و فاصله زیاد بین مکانهای تولید و مصرف نیز باعث فرسایش محیط زیست می شود. شرکتهای خصوصی آب اشتیاق فراوانی به استفاده از آب بدون در نظر گرفتن سطح نوزایش منبع، رشد جمعیت و بیابانی شدن منطقه، تا قطره آخر دارند.

## موضع سازمان ملل نسبت به آب

بحث پیرامون این موضوع که آیا آب ضرورتی برای ادامه زندگی و نجات انسان به عنوان یک حق انسانی و یک نیاز جهانشمول است و یا یک محموله اقتصادی می باشد، مدت‌های طولانی است که در جریان است. برخی عدم تصمیم گیری در رابطه با مطلب مذکور را اینگونه توجیه می کنند که آب هم مانند برق به طور بدیهی اساس زندگی انسان به حساب می آید. به همین دلیل، متحد کردن نمایندگان سازمان ملل در توجه به این مقوله بسیار مشکل بوده است. کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حمایت از افراد ناتوان و کنوانسیون حقوق کودکان، همگی آب را جزو حقوق بشر به شمار می آورند. اما، بیانیه پیرامون آب و حفاظت از آن در ژانویه سال ۱۹۹۲ در کنفرانس جهانی آب و محیط زیست، آب را کالایی اقتصادی که ارزش اقتصادی فراوانی دارد، معرفی کرده است.

این بیانیه در راستای منافع شرکتهای خصوصی اعلام کرد که عدم شناخت ارزش اقتصادی آب در گذشته سبب استفاده بی رویه از منابع و زیانهای زیست محیطی بیشماری شده است. این بیانیه اضافه کرد که محسوب کردن آب به عنوان یک کالای اقتصادی، امر بسیار مهمی در راستای دستیابی به استفاده منصفانه، کارآمد و همچنین تشویق به حفاظت و حمایت از منابع آب در جهان محسوب می شود.

این در حالی است که "فوروم جهانی آب سازمان ملل" در سال ۲۰۰۰ روشن ساخت که آب یک نیاز اساسی می باشد. با وجود این تعریف، هنوز شرکتهای خصوصی قادر به کالایی کردن آب در جهان هستند، زیرا در سیستم سرمایه داری، "نیاز" به معنای "حق" نیست. ولی اگر آب به عنوان یک "حق" در نظر گرفته شود، دولت‌ها موظفند که آن را در اختیار همگان قرار دهند.

در نوامبر سال ۲۰۰۲، کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل در یک نظر کلی تصدیق کرد که دسترسی به آب جزو حقوق پایه ای و ضروری بشر جهت ادامه بقا و تکامل حیات انسانی می باشد. کمیته مزبور اضافه کرد که این مساله پیش شرط تحقق همه اشکال حقوق بشر است و بنابراین دولت‌ها می بایست متعهد شوند که آب در دسترس همه اعضای جامعه قرار گیرد. این اقدام سازمان ملل بسیار با ارزش محسوب می شود، زیرا امکان دسترسی به آب یک حق بشری و نه یک کالای اقتصادی به حساب آمده است. افزون بر این، آب می بایست به طور سالم، به بهای قابل پرداخت، قابل دسترس و سالم و ایمن برای استفاده شخصی و خانگی به عنوان یک حق انسانی در اختیار همه افراد جوامع قرار گیرد. یکی از کارشناسان سازمان ملل مسوولیت دنبال کردن این نظریه را به عهده گرفت و اظهار داشت که مدیریت آب می بایست در اختیار بخش عمومی باشد. افزوده بر آن، دولت‌ها متعهد گردیدند تا جهت دسترسی برابر همگان به آب و رعایت اصول بهداشتی اقدام ورزند.

"بنیاد پیشرفت زنان سازمان ملل" می گوید که اگرچه اظهار نظر فوق، دولت‌ها را ملزم نمی کند که به طور مستقیم آب سالم و قابل دسترس را در اختیار همه افراد و خانواده‌ها قرار دهند، اما این بدان معناست که دولت‌ها مسوول نهایی دسترسی همه افراد به آب کافی که نیاز اساسی آنان است، هستند.

مهمترین گام در مسیر پذیرش حق جهانی آب توسط هیات قانونگذاری سازمان ملل در ۲۸ جولای ۲۰۱۰ با ۱۲۲ رای موافق، ۴۱ رای ممتنع و هیچ رای مخالف صورت پذیرفت و دسترسی به آب به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر به رسمیت شناخته شد. هیات قانونگذاری همچنین برای همه نمایندگان دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی روشن کرد که می بایست با سرمایه گذاری، تکنولوژی و امکانات دیگر، به کشورهای فقیر جهت بالا بردن درجه پاک‌ی آب آشامیدنی، قابل دسترس و منطبق با بضاعت و بهسازی برای همگان یاری رسانند.

ادامه دارد

### سازمان معلمان ایران خواستار آزادی همکاران زندانی خود شد

سازمان معلمان ایران، یکی از نهادهای صنفی معلمان ایران است. اعضای این سازمان به تازگی در بیانیه‌ای با انتقاد از تداوم بازداشت معلمان کشور، خواستار آزادی این معلمان و اعضای در بند این سازمان شدند. به گزارش وبگاه "کلمه"، در بیانیه این تشکل صنفی - غیردولتی نوشته: "ما اعضای سازمان معلمان تاسف عمیق خود را از وضعیت همکاران دربندمان و همچنین بی‌توجهی وزیر آموزش و پرورش، حاجی بابایی نسبت به آنان اعلام می‌داریم. عملکرد آقای حاجی بابایی به گونه‌ای بوده است که تاکنون نه نماینده معلمان در آموزش و پرورش که، نماینده دولت در وزارت آموزش و پرورش تلقی شده است. این وزیر تاکنون هیچ اشاره‌ای به معلمان زندانی هم نکرده است." بیانیه مزبور می‌افزاید: "سازمان معلمان ایران مخالف صریح وضع امنیتی موجود در آموزش و پرورش است، چرا که این شرایط مانع پویایی و خلاقیت در عرصه تعلیم و تربیت است. بنابراین این سازمان به طور جدی از مسوولان می‌خواهد به برخورد امنیتی و قضایی با فعالان مستقل، منتقد و تشکلها پایان دهد."

### نامه رسول بداقی، معلم زندانی

با حکم قطعی آموزش و پرورش رسول بداقی اخراج شد. این معلم زندانی در مورد اخراجش از آموزش و پرورش نامه‌ای کوتاهی به شرح زیر نوشته است: "در طول ۲۱ سالی که از پیشینه من در کارمعلمی گذشته است، از دورترین روستاهای کشور گرفته تا پایتخت ایران در سالهای نخست کارم پی برده‌ام که این سیستم راه به ویرانه دارد و روح و روان و جسم و جان جوانان این مرز و بوم را به نابودی بیشتر خواهد کشاند از این رو از همان آغاز کارم معلمی، کمر به بدهیات بستم و مبارزه با گردانندگان این سیستم را پیشه خود ساختم از طرفی حاکمیت زورگویان و بی‌خردان جز سرکوبی و کشتار و شکنجه و زندانی کردن، راه دیگری را نمی‌دانند و در پیش نمی‌گیرند. همواره منطق و زور، دروغ و راستی، خدمت و خیانت، مهر و کین، روشنایی و تاریکی، نادانی و دانایی هیچ هماهنگی و سازشی با هم ندارند. متأسفانه کینه حاکمان بی‌خرد و زورگو در همه بخشهای اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی، بین‌المللی و... رایج است و همه این بخشها، رو به نابودی هستند. لذا راهی جز مبارزه تا از میان برداشتن این بی‌خردان زورگو و مستبد در پیش نیست. هیچ عقل سلیمی نمی‌خواهد انسانها زندانی و شکنجه شوند اما عزت و سربلندی نیز رایگان به دست نخواهد آمد و هر چه بیشتر زمان بگذرد بر این دشواریها و خفت و خواریها افزوده خواهد شد. اینجانب ضمن محکوم کردن ارباب، تهدید و احضار معلمان کشور به ویژه اعضای کانون صنفی معلمان، از همکاران خود در سراسر کشور امید پشتیبانی داریم تا با همبستگی میان معلمان و سایر اقشار جامعه بتوانیم به یک حاکمیت مردمی دست یابیم." رسول بداقی زندان رجایی شهر، ۲۶ دی ۱۳۹۰

### شکایت معلم زندانی از قرارگاه ثارالله

طبق گزارش "خبرگزاری هرانا"، علی پورسلیمان، معلم زندانی و فعال صنفی، اعلام کرده که به زودی از مسوولان قرارگاه ثارالله سپاه پاسدارن شکایت می‌کند. علی پور سلیمان که مسوولیت تشکیلات و برنامه ریزی سازمان معلمان ایران را نیز در اختیار داشته، تصمیم دارد از ماموران این قرارگاه به دلیل ضرب و شتم خود در هنگام بازداشت، شکایت کند. او بارها برای ثبت شکایتش به مسوولان زندان مراجعه کرده است. این دبیر منطقه ۹ آموزش و پرورش تهران در ۱۱ خرداد ماه امسال توسط نیروهای لباس شخصی قرارگاه مزبور، دستگیر و چنان مورد ضرب و شتم قرار گرفت که بلافاصله بعد از بازداشت اش به دلیل مشکلات و جراحات جدی به بیمارستان خاتم الانبیا منتقل گردید. او بعد از درمان به بند دو الف سپاه و سپس به بند ۳۵۰ زندان اوین منتقل شد.



علی پورسلیمان از همان جلسه اول بازجویی اش تقاضای اعزام به پزشکی قانونی و تکمیل معالجاتش را با بازجویانش مطرح کرده بود ولی با بی توجهی و عدم پاسخگویی آنها روبرو شد. او توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب، به ریاست قاضی مقیسه به یک سال حبس محکوم شده است.

علی پور سلیمان معلم زندانی و وبلاگ نویس وبلاگ "سخن معلم" و عضو فعال ستاد فرهنگیان مهدی کروی در انتخابات سال ۸۸ به ریاست محمد نجفی، وزیر سابق آموزش و پرورش، به همراه محمد داوری و جمعی دیگر از فرهنگیان هم بوده است.

او در مهر ماه سال ۱۳۸۸ از سوی مجموعه فعالان حقوق بشر ایران به عنوان وبلاگ نویس برتر در حوزه اصناف ایران شناخته شده است.

### محکومیت معلمان در یزد

بر اساس نوشته "زانیاری"، اعضای کانون فرهنگیان یزد از سوی شعبه ی اول دادگاه انقلاب یزد به ۴۲ ماه حبس محکوم شدند.

آقایان محمد علی حسن شیرازی، منصور میرزایی، محمد جواد حسامی، احمد چنگیزی، محمد علی شاهی، رمضان علی نجاتی، محمد مهدی صدیقی، محمد حسین دهقانپور و علی قوچانی به اتهامهای "تبلیغ علیه نظام، فعالیت غیرقانونی از طریق سخنرانی و تشکیل جلسه، تجمع و صدور بیانیه و تحریک معلمان به اعتصاب غذا و تعطیلی کلاس" به زندان محکوم شدند. شایان ذکر است که حکم زندان آنها به مدت ۵ سال تعلیق شده است.

### استخدام ۱۵ هزار آخوند در آموزش و پرورش پیگیری می شود

طبق گزارش خبرگزاری "خانه ملت"، علی کریمی فیروزجایی، نماینده مجلس شورای اسلامی از بابل در پاسخ به سوالی درمورد حمایت از فعالیتهای تبلیغی روحانیون در سطح مدارس گفت: "براساس منویات رهبری و به منظور ایجاد انس بین دانش آموزان و قرآن، طرح جذب ۱۵ هزار روحانی به آموزش و پرورش را در مجلس و دولت پیگیری کردیم که با تغییر وزرا موانعی پیش آمد و این طرح عملی نشد، اما با پیگیریهای مستمر، در حال حاضر مرادده خوبی بین آموزش و پرورش و مبلغان وجود دارد."

از نظر وی در استان مازندران و شهرستان بابل نیز با اقداماتی که انجام گرفته، فعالیت روحانیون در مدارس بسیار تسهیل شده است.

### دانشگاه فرهنگیان جایگزین دانشگاه تربیت معلم خواهد شد

به گزارش "خبرگزاری مهر"، عبدالرضا ترابی نماینده مجلس شورای اسلامی از گرمسار گفت: "براساس سند تحول بنیادین آموزش پرورش، دانشگاه فرهنگیان در مراکز استان جایگزین دانشگاه تربیت معلم می شود." وی افزود: "با توجه به این که دانشگاه تربیت معلم به تربیت معلمان اختصاص دارد، همواره این موضوع جای سوال است که چرا یک معلم پس از تربیت در این دانشگاه، استخدام نمی شود اما افراد خارج از این دانشگاه استخدام آموزش و پرورش می شوند و به جای افراد این دانشگاه، نیروی حق التدریسی استخدام شود. بر همین اساس راه حل این مشکل در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دیده شد و قرار است در مرکز هر استان یک دانشگاه به نام دانشگاه فرهنگیان تاسیس شود که جایگزین دانشگاه تربیت معلم فعلی خواهد شد تا بتواند به امور تربیت معلمان بنا بر نیاز آموزش و پرورش بپردازد."

### جنگ انتخاباتی باندهای حکومتی در مدارس

به گزارش وبگاه "جوان"، در آستانه ثبت نام انتخابات مجلس، تعدادی از مدیران مدارس، امکانات مدرسه را برای تبلیغات انتخاباتی کاندیداهای خاص به کار گرفته اند.

به نوشته این وبگاه، شنیده‌ها در روزهای اخیر حاکی از این بوده که برخی از مسوولان مدارس با تحت فشار قرار دادن دبیران، آنها را مجبور به شرکت در میتینگ‌های تبلیغاتی برخی از نمایندگان می‌کنند و اگر معلمی از حضور در این جلسات سر باز زند، به کاهش نمره ارزشیابی تهدید می‌شوند.

در همین راستا حمیدرضا حاجی بابایی هشدار داد که آموزش و پرورش نباید برای گروه و افراد خاصی هزینه شود و سنگر یا سکویی در امر انتخابات برای برخی افراد باشد.

قاسم مستقیم، مدیرکل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات وزارت آموزش و پرورش نیز به "جوان" گفته است: "اگر مسوولان مدارس و یا سایر نهادهای آموزش و پرورش از امکانات مدرسه و یا معلمان برای تبلیغ نمایندگان استفاده کنند، مورد برخورد قانونی قرار می‌گیرند. این که کسی بخواهد فضای آموزش و پرورش را سیاسی کند، به هیچ وجه قابل پذیرش نیست و با برخورد قاطع مسوولان این وزارتخانه روبرو می‌شود."

او هشدار داده که: "۷۵۰ نفر در سطح کشور و در استانهای مختلف، رفتارهای مدیران و مسوولان آموزش و پرورش و مدارس را زیر نظر دارند و با مشاهده کوچک‌ترین تخلف، به خصوص در عرصه‌های انتخاباتی، برخوردهای قانونی صورت می‌گیرد."

به گزارش وبگاه یاد شده، وی پیرامون شیوه برخورد با کسانی که از امکانات آموزش و پرورش برای تبلیغات کاندیداهای انتخاباتی استفاده می‌کنند اظهار داشته: "تذکر شفاهی، تذکر کتبی با درج در پرونده و برکناری مدیر مربوطه از سمت، عاقبت افرادی است که از امکانات مدارس برای تبلیغات کاندیداهای انتخابات بهره می‌برند."

### مجلس: حاجی آبادی دروغ می‌گوید

به گزارش "همشهری"، هنوز جزییات تغییر نظام آموزشی تصویب نشده ولی برخی مسوولان آموزش و پرورش سعی در القای تصویب این جزییات در شورای عالی انقلاب فرهنگی دارند و این امر موجب نگرانی خانواده‌ها شده است.

وزیر آموزش و پرورش پس از رونمایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، قدری شتاب زده از آغاز تغییر نظام آموزشی کشور از مهرماه سال آینده خبر داد که بر اساس آن، سال آینده اول راهنمایی ورودی نخواهد داشت و دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی به ششم ابتدایی می‌روند و...

طبق گزارش "همشهری"، این سخنان مسوولان آموزش و پرورش اعتراض مجلسیان و در راس آنها رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس را به دنبال داشت و عباسپور تهرانی‌فرد، سخنان وزیر را "شعار تبلیغاتی" دانست، زیرا به گفته وی تغییر نظام آموزشی هنوز در شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب نشده است.

رییس کمیسیون آموزش مجلس در واکنش به سخنان وزیر آموزش و پرورش درباره تصویب نظام آموزشی در شورای عالی انقلاب فرهنگی و آغاز تغییر نظام آموزشی از سال آینده تصریح کرد: "این اظهارات خلاف واقع است و تغییر نظام آموزشی هیچ جا مصوب نشده است."

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در واکنش به اظهارات عباسپور اعلام نمود: "با توجه به اظهارات غیرمسوولانه برخی افراد در رسانه‌ها پیرامون عدم تصویب نظام آموزشی ۳-۳-۶ در شورای عالی انقلاب فرهنگی، اعلام می‌شود که اصل نظام آموزشی ۳-۳-۶ در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است."

اعضای کمیسیون آموزش مجلس می‌گویند که درباره نظام ۳-۳-۶ در آموزش و پرورش مردد هستند و مطمئن نیستند که سیاست درستی باشد و یا چشم‌انداز خوبی را برای تحول در ساختار ایجاد کند.

به این ترتیب سرنوشت میلیون‌ها دانش‌آموز میهنمان به دست این آقایان که در کل با تردید و گمانه زنیها دست به تغییرات نا هنجار در نظام آموزش و پرورش می‌زنند و از نتیجه این تغییرات هیچ اطلاع دقیقی ندارند؛ رقم می‌خورد.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

## زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

### زنان مداخله گر، انتخاب این ماه: ادیت لاگوس

"ادیت لاگوس"، کمونیست انقلابی، چریک و عضو حزب کمونیست پرو، یکی از مشهورترین فرماندهان مبارزات چریکی این کشور بود که خطاب به هایش الهام بخش دهقانان سراسر کوههای جنوب میانه پرو بود. در دوم ماه مارس سال ۱۹۸۲، یک نیروی نسبتاً کوچک چریکی به رهبری حزب کمونیست پرو که مبارزه مسلحانه را در دستور کار داشت، خطوط برق رسانی "آیاکوچو" را منفجر کرد و آنگاه پلیس و نیروهای ضد شورش را در مقرهایشان به محاصره درآورد و راه خود را به سوی زندان مرکز بخش گشود. در نبردی که نزدیک به پنج ساعت به درازا کشید، چریکها زندان را به تصرف درآورده و همه زندانیان را از سلولها آزاد کردند و به همراه آنها در حیاط زندان پرچم سرخ برافراشته، سرود انترناسیونال را خوانده و محل را ترک کردند.

فرمانده این عملیات زنی کمونیست و چریک انقلابی به نام "ماریا پرادو" بود. از انقلابیونی که در این حمله آزاد شد، زن کمونیست جوان "ادیت لاگوس" بود که از شانزده سالگی در حزب کمونیست پرو فعال بود. او به دلیل سخنرانیهای پرشوری که در میادین ایراد می کرد، در میان مردم محبوبیت زیادی داشت. او در مدت کوتاه فعالیتش بارها دستگیر و چند بار نیز از زندان گریخته بود. شش ماه بعد از رهایی از زندان، "ادیت لاگوس" در جریان یک عملیات تعرضی حزب در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۸۲ دو باره دستگیر شد. پلیس، وحشیانه بدن این زن را با سرنیزه درید. این کمونیست جوان به هنگام مرگ فقط ۱۹ سال داشت.

در تشییع جنازه "ادیت لاگوس" بیش از ۳۰ هزار نفر از اهالی شهر ۸۰ هزار نفری "آیاکوچو" به خیابان آمده و تابوت او را در پوشش پرچم سرخ حزب به خاک سپردند. "آیاکوچو" هیچگاه چنین گردهمایی عظیمی به خود ندیده بود. منبع: آنان آغازگران بودند

### عربستان سعودی: اشتغال مردان در مغازه های پوشاک زنانه ممنوع شد

تربون گراس، ۴ ژانویه ۲۰۱۲ - عربستان سعودی قانونی را به تصویب رساند که به موجب آن تنها زنان، مجاز به فروشندگی در مغازه های پوشاک زنانه هستند. روزنامه اشعریه اعلام کرد که تمامی فروشگاههای پوشاک زنانه و لوازم آرایش می بایست همه کارکنان مرد خود را سریعاً برکنار کنند. قانون مزبور، از سال ۲۰۰۶ توسط دولت در دستور کار قرار گرفته بود که اکنون به مورد اجرا در آمده است.

### چین: رشد فزاینده آزار جنسی در محل کار

خبرگزاری نیوزلند، ۴ ژانویه ۲۰۱۲ - فعالان حقوق زنان در نشست در "بیجینگ" اعلام کردند که گزارش آزار و اذیت جنسی در محل کار، در تداوم رشد این پدیده در سالهای اخیر، کماکان افزایش چشمگیری داشته است. بخش مشاوره با قربانیان عنوان می کند که از سال ۲۰۰۷ به بعد، میزان اعمال آزار جنسی افزایش یافته است که براساس گزارشهای دریافتی تلفنی، بیش از نیمی از موارد آزار جنسی در محل کار انجام شده. گزارش در باره این امر خود نیز حاکی از رشد آگاهی زنان از حقوق خود می باشد. شایان ذکر است، بیش از نیمی از دویست میلیون زن کارگر در چین از معضل آزار جنسی در محیط کار رنج می برند. این در حالیست که مراکز قانونی مشاوره با قربانیان به تعداد کافی وجود ندارد و ماموران دولتی نیز به این کمبود توجه و اهمیت کافی نشان نمی دهند.

### زنان مصر می بایست اجازه اعتراض داشته باشند

آل آفریقا، ۲۶ دسامبر ۲۰۱۱ - به موازات افزایش اعتراضها و راهپیماییها در مصر و مشارکت گسترده زنان در آنها، سازمان عفو بین الملل از ارتش این کشور خواسته است که به زنان مصری هم اجازه فعالیت و برگزاری راهپیمایی آزادانه برای طرح مطالبات شان بدهد.

فعالان سیاسی و مخالفان دولت مصر در هفته های گذشته تلاش کردند با برگزاری راهپیمایی به اعمال خشونت ارتش مصر علیه نیروهای اپوزیسیون و زنان اعتراض کنند که دوباره با تهاجم بیرحمانه نیروهای سرکوبگر مواجه شده اند. بر اساس گزارشهای متعدد، بیش از هفده نفر با آتش گلوله در این راهپیماییها کشته شده اند. فعالان سیاسی زن که در این راهپیماییها شرکت کرده اند، از بدرفتاری و خشونت نیروهای امنیتی و از جمله آزار و اذیت جنسی، فیزیکی، لفظی و تجاوز شکایت کرده اند.

اگرچه دادگاه عالی مصر حکم داده است که نیروهای نظامی و ارتش حق مداخله در اعتراضات صلح آمیز مردم را ندارند، اما در همین حکم به روشنی عنوان گردیده که اگر نیروهای نظامی و امنیتی احساس کنند که راهپیمایان و فعالان سیاسی قصد براندازی دولت را دارند، می بایست به هر طریقی از هرگونه فعالیت آنان جلوگیری شود. در همین رابطه یکی از فرماندهان ارشد ارتش مصر ابراز می دارد که پلیس و نیروهای امنیتی در چنین موقعیتی حتی حق دارند از سلاح گرم استفاده کنند و مخالفان را با آتش گلوله از پای در آورند.

با وجود سرکوب وحشیانه، زنان مصری با برگزاری راهپیماییهای متعدد و در دست گرفتن پلاکاردهایی شامل تصاویر زنانی که توسط نیروی سرکوب در برابر دید همگان کتک خورده، یا برهنه شان کرده اند و یا به قتل رسیده اند، مقاومت می کنند. در همین رابطه، ارتش مصر برای تحقیر زنان معترض و خبرنگار، آزمایش باکره بودن را نیز در دستور کار قرار داده است. فیلمهای ویدیویی متعددی مبنی بر اعمال خشونت بیرحمانه ارتش مصر علیه زنان معترض در وب سایتهای اینترنتی به معرض نمایش گذاشته شده است. به تازگی جهانیان شاهد صحنه های فجیعی از کتک خوردن دختر جوانی توسط ارتش مصر در میدان "التحریر" بودند. این دختر جوان که "عزا حیلل"، نام دارد، توسط سرکوبگران کتک زده شده، برهنه اش کرده و به دفعات مکرر توسط انبوهی از مردان نظامی مورد ضربات پوتین در ناحیه صورت، سر و بخشهای مختلف بدنش قرار گرفت. در برخی از ویدیوها به درستی دیده می شود که وقتی مردان نظامی به زنان حمله می کنند، لباس آنان را پاره می کنند و در موارد بیشماری با چنگ انداختن در موی سر زنان، آنها را مسافتی طولانی روی زمین می کشانند.

### افغانستان کشوری دشوار حتی برای مردان فمینیست

رویترا، ۲۳ دسامبر ۲۰۱۱ - "فردوس صمیم"، دانشجوی دانشگاه کابل و فمینیست، ابراز می دارد که برایش بسیار مشکل است که مادر خود را متقاعد سازد که فعالیت او عملی با ارزش در جهان به حساب می آید. آقای "فردوس" ادامه می دهد که اشکال کار در افغانستان این است که برخی از زنان افغان در رابطه با مسایل زنان، مانند مردان مردسالار فکر می کنند. "فردوس صمیم" عضو یک گروه کوچک مدافع حقوق زنان در افغانستان به نام "زنان جوان برای تغییر" است که شامل تعداد معدودی از فعالان مرد نیز می باشد که به زنان افغان جهت دستیابی به زندگی بهتر، یاری می رسانند. این مردان ابراز می دارند که هدف آنان، ساختن افغانستانی است که زنان بتوانند بدون آزار و اذیت قرار گرفتن در خیابانها قدم بزنند، افغانستانی که در آن زنان قربانی تجاوز جنسی، زندانی نشوند و مادران جوان در هنگام زایمان جان خود را از دست ندهند.

مردان فمینیست در جنبش جهانی برابری طلبانه علیه تبعیض جنسیتی، نقش به سزایی داشته اند. ایفای نقش مردان برابری طلب در افغانستان به دلیل شکاف جنسیتی عمیق بین زنان و مردان، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

### زنان عراقی از تشدید خشونت هراس دارند

صدای آمریکا، ۱۰ ژانویه ۲۰۱۲ - زنان عراقی هنوز با عوارض سه جنگ از سال ۱۹۸۰ که شامل درگیریهای فرقه ای، حمله نیروهای ائتلاف خارجی و عملیات تروریستی می شود، دست و پنجه نرم می کنند. این جنگها سبب شده که هر زن عراقی حداقل یک خویشاوند خود را از دست دهد. آنها در حالی نگران آینده خود هستند که آداب و رسوم عراق هنوز زن را به عنوان فردی در خانواده می بیند که با وجود مشکلات می بایست از اعضای خانواده مراقبت کند.

خانم "جابر" که دارای شش فرزند است و پسرش به دلیل همکاری با نیروهای آمریکایی به قتل رسیده، خروج نیروهای آمریکایی از عراق را مثبت ارزیابی نمی کند. او که اکنون با فروش لباسهایی که خود می دوزد، امرار معاش می کند، ابراز می دارد که برخی با خروج نیروهای آمریکایی از عراق موافقت، اما به نظر او شرایط بدتر خواهد شد، زیرا نیروهای سیاسی عراقی متحد نیستند و عراق دارای دولتی پایدار نیست.

یک خانم آموزگار عراقی پیرامون همین مساله می گوید، مشکلاتی که نیروهای مذهبی ایجاد می کنند، بزرگترین مساله ای است که عراق با آن روبروست. وی ادامه می دهد: "رانت خواری، عدم امنیت و ویرانی اقتصادی، عراق را به صورت فزاینده ای می بلعد و هیچکس به فکر مردم نیست. هر کس به قدرت می رسد، قصد دارد ثروت کشور را سرقت کند و به منافع مردم فکر نمی کند. هیچکس به فکر ما نیست!"

بر اساس گزارش فعالان حقوق بشر عراقی، زنان نیز همچون دیگر اقشار و طبقات اجتماعی عراق از آینده هراس دارند و به توانایی دولت در جلوگیری از جنگهای فرقه ای که قادر است، عراق را دوباره به گرداب جنگ داخلی بکشاند، امیدی ندارند.

## روز ملی زنان کارگر در پاکستان

رویتر، ۲۲ دسامبر ۲۰۱۱ - وزیر حقوق بشر با فرا رسیدن روز ملی زنان کارگر در پاکستان، همه مردم را به شرکت در راهپیمایی به سوی پارلمان کشور جهت برجسته کردن مبارزه زنان کارگر فرا خواند. زنان پلیس، کارمندان بخش خدمات اجتماعی و کشاورزان زن از شهرها و روستاهای مختلف پاکستان در این راهپیمایی شرکت کردند. وزیر حقوق بشر پاکستان عنوان کرد که درصد زنان شاغل در مجموع نیروی کار کشور در سالهای اخیر با افزایش چشمگیری روبرو بوده که این مساله قابل ستایش و قدردانی است.

بسیاری از سازمانها و تشکلهای مدافع حقوق کارگران نیز در این راهپیمایی شرکت جستند تا روز ملی زنان کارگر را جشن بگیرند. زنان پاکستانی با وجود موانع بیشماری که بر سر راه دارند، تلاش کرده اند تا با مشارکت در بازار کار، جایگاه خود را در پیشرفت اقتصادی کشور به اثبات رسانده و بدینگونه نقش خود را به میزان قابل توجه ای افزایش داده اند. مدیر یکی از تشکلهای مدافع حقوق زنان و کارگران معتقد است که افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی کشور نشان می دهد که اگر آنها به طور جدی تصمیم بگیرند کاری بکنند، موفق خواهند شد. زنان می بایست همه موانع بر سر راه مداخله گری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را از بین ببرند. افزون بر این، زنان پاکستان همواره در تاریخ این کشور نقش بسیار عمده ای در جنبشهای آزادیخواهانه ایفا کرده اند و در صف اول مبارزه جهت دستیابی به رهایی قرار داشته اند.

## استفاده مرگبار از گاز اشک آور علیه تظاهرکنندگان زن بحرینی

شبکه خبری زنان، ۲ ژانویه ۲۰۱۲ - "مرکز حقوق بشر" در بحرین در رابطه با اعمال خشونت علیه تظاهرکنندگان و فعالان سیاسی توسط نیروهای سرکوبگر دولت بحرین و استفاده از گاز اشک آور با مواد شیمیایی اعلام نارضایتی و نگرانی شدید کرده است.

بر اساس گزارش "سازمان بهداشت جهانی"، استفاده از گاز اشک آور خطرات بسیار جدی برای افراد مورد اصابت قرار گرفته خواهد داشت. در همین رابطه، حداقل یک زن به نام "زینب" بر اثر صدمات گاز اشک آور حاوی دی اکسید کربن، جان خود را از دست داده است.

## زنان در کوزوو خشونت خانگی را گزارش نمی کنند

شبکه خبری زنان، ۳ ژانویه ۲۰۱۲ - سالانه بیش از هزار نفر به طور رسمی خشونت خانگی را به ماموران دولتی کوزوو گزارش می کنند که از این تعداد، چهار نفر زن هستند.

فعالان حقوق زنان اعلام می دارند که شمار زنانی که مورد خشونت قرار می گیرند، بسیار بیشتر از آمار فوق است. این در حالیست که جمعیت کوزوو زیر دو میلیون نفر است.

بر اساس گزارشهای دیگر، بیش از هشتاد درصد آنانی که آماج خشونت قرار می گیرند، زن هستند. معضل خشونت خانگی در بخشهای روستایی بسیار رایج است که وضعیت بد اقتصادی و عدم تحصیلات کافی از جمله دلایل آن به حساب می آید.

## مشارکت زنان لهستانی در نیروی کار

بیزینس جورنال، ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱ - بر اساس گزارش یک کارشناس اقتصادی "بانک جهانی"، زنان لهستانی از نظر سلامت، تحصیلات و مشارکت در نیروی کار، در حد زنان کشورهای عضو اتحاد مشترک اروپا قرار دارند. اما مساله بسیار متفاوت این است که زنان لهستانی بسیار زودتر از زنان اروپایی مایل به بازنشستگی از کار هستند. اکنون تنها ۲۳ درصد از زنان ۵۵ تا ۶۴ ساله مشغول به کار بیرون از خانه هستند. این میزان ۲۰ درصد پایین تر از نرخ متعارف آن در سایر کشورهای اروپا می باشد. بر اساس این گزارش عوارض این امر برای اقتصاد کشور لهستان گران تمام خواهد شد. افزون بر این، زنان لهستانی با بازنشستگی زودرس، به طبقه محروم جامعه می پیوندند، زیرا زنان بازنشسته از مزایا و حقوق بسیار پایین تری نسبت به مردان بازنشسته برخوردارند.

## زنان سومالیایی به عنوان غرامت جنگی

شبکه خبری زنان، ۱۳ دسامبر ۲۰۱۱ - کشور سومالی طی دهه های متمادی دستخوش مشکلات و فجایع گوناگونی بوده است، به طوری که شهرهای این کشور ویران و مردم آن در گرسنگی مفرط زندگی را سپری می کنند. تنها امسال، دهها هزار نفر به دلیل قحطی جان باخته و تعداد بیشماری در درگیریهای بیرحمانه کشته شده اند. افزوده بر آن، کشور سومالی با معضل رایج تجاوز به زنان و آزار و اذیتهای وحشیانه جنسی روبروست. گروه مسلح "شباب" که مدعی و خواهان استقرار "اسلام ناب" می باشد، از زنان به عنوان غرامت جنگی استفاده می کند.

بر اساس گزارش سازمان ملل، گروه مذکور زنان قربانی را در جنوب کشور به طور وحشیانه توسط گله مردانش مورد تجاوز و یا آزار و اذیتهای جنسی قرار می دهد. مساله تجاوز به زنان تنها در گروه اسلام گرای "شباب" رایج نیست، بلکه سایر گروههای متعدد مذهبی نیز به این عمل ددمنشانه مبادرت می ورزند. این گروهها، زنانی که مسافتهای طولانی جهت دستیابی به مواد غذایی را با پای پیاده طی می کنند و یا در این مسیر گم می شوند را به دام انداخته، مورد تجاوز جنسی قرار می دهند و به طرز وحشیانه ای به قتل می رسانند. این عمل وحشیانه و متحجرانه نه تنها توسط گروههای مسلح مذهبی بلکه، توسط سربازان دولتی نیز انجام می شود.

قحطی و گرسنگی سبب نقل مکان بسیاری از محل مسکونی خود شده است. بدین ترتیب، زنان بیشتری از مناطق حفاظت شده خارج می شوند. به موازات افزایش گرسنگی و آوارگی، میزان تجاوزات جنسی نیز با رشد دردناکی روبروست. بر اساس گزارشها، در برخی موارد از زنان به عنوان طعمه برای شکار حیوانات نیز استفاده شده است.

ماموران سازمان ملل عنوان می کنند که تنها در دو ماه اخیر بیش از ۲۵۰۰ مورد آزار و اذیت جنسی و تجاوز به آنان گزارش شده است. قربانیان تجاوز جنسی اعلام کرده اند که گروه "شباب" از مردان مسلح عرب استفاده کرده و به همین دلیل زنان مورد تجاوز قرار گرفته توسط اینان نوزادانی به دنیا آورده اند که مشخصات سومالیایی و عرب را دارا هستند.

گروه "شباب" که قصد دارد با اسلامی بنیادگرا قدرت را در دست بگیرد، دیگر قادر به پاسخگویی به مطالبات مردان جوان مسلح خود نیست. بدین ترتیب، ترم "زنان موقت" را طرح کرده است و مردان مسلح مجازند زنان سومالیایی را در هر جا که می توانند و می خواهند، به اجبار به عقد خود در آورند. این "ازدواج" به هیچ وجه شبیه به مراسم مرسوم که شخص مذهبی عقد را به ثبت می رساند، نیست. در بسیاری از این مراسم مضحک، زنان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و با تنی کتک خورده رها می شوند و یا این که موفق می شوند که فرار کنند. مراکزی که برای حمایت از قربانیان تجاوز جنسی از سوی افراد و نهادهای نیکوکار دایر شده، به ویژه بعد از شیوع قحطی و افزایش تجاوز جنسی دیگر قادر به تامین حمایت از همه قربانیان نیست. قابل توجه است که برخی از قربانیان تجاوز جنسی سنی کمتر از ده سال دارند.

کشور سومالی دارای یک جامعه بسیار سنتی است. بر همین اساس، تقریباً ۹۸ درصد از دختران تحت عمل ختنه قرار می گیرند و اکثریت زنان و دختران به دلیل محرومیت، بیسواد هستند. اندام آنان همه عمر در پوشش سیاه و زمختی پوشانده شده، به طوری که شاید حتی آفتاب نیز چهره آنان را تا کنون ندیده باشد.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

[nabarad@iran-nabard.com](mailto:nabarad@iran-nabard.com)

این روزها عکس عریان زنانی مانند علیا ماجده المهدی، دانشجوی مصری و گلشیفته فراهانی، بازیگر ایرانی، جنجال و بحث فراوان و واکنش‌های مثبت و منفی را برانگیخته است. در ایران خبر انتشار عکس عریان گلشیفته فراهانی، در مجله فرانسوی فیگارو و پس از آن در شبکه‌های اجتماعی واکنش‌های متضادی در داخل و خارج از ایران برانگیخته است. عکس گلشیفته از مجموعه عکس‌های ژان موندینو، عکاس معروف فرانسوی، از شانزده بازیگر جوانی است که نامشان برای نامزدی بخش بهترین "بازیگر مستعد" جوایز سینمایی سزار مطرح شده است.

روز چهارشنبه ۲۸ دی خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران در خبری با عنوان "اقدام وقیحانه هنرپیشه فیلم اصغر فرهادی" نوشت: "انتشار عکس نیمه برهنه «گلشیفته فراهانی» در فیس‌بوک و پس از آن دیگر سایتهای اینترنتی واکنش بسیاری از سینما دوستان را برانگیخت که چرا بازیگری که یک روز با بازی در نقش مادری فداکار در فیلم «می‌م مثل مادر» خوش درخشیده بود، با پناه بردن به سینمای غرب امروز افتخارش این است تا به حراج گذاشتن نجابتش، عکسش بر جلد یک مجله فرانسوی منتشر شده است."

مسلم است شکل گیری این حرکت بر اساس اعتراض است. همواره تایید و اثبات به دست قدرت انجام گرفته و همواره قدرتها، نهادها و طرحهایی از زندگی را بر مردم تحمیل کرده اند که غالباً از سوی مردم به اجبار پذیرفته شده است. یکی از دلایل تسلیم شدن در برابر این نهادها و عدم ایستادگی در برابر آن بدست آوردن امکانات و حمایت طبقات قدرتمند است که منجر به انقیاد و ستم انسان بر انسان (استثمار) خواهد شد. در مرحله اولیه مقاومتی در برابر قدرت شکل نمی گیرد، اما تغییر پیش رونده محیط و گسترش آگاهی منجر به ایستادگی در برابر اجبار و بهره کشی می شود و امیال انسان متناسب با این تغییرات ضرورت پیدا می کنند و باعث تلاش برای لغو استثمار و اجبار طبقه ی حاکم می شود. از آنجا که پوشش از اجبارات قانون، سنن و اخلاقیات مسلط که بر اساس منافع قدرتمندان تعیین می شود است، حرکت اعتراضی در مقابل نهاد های قدرت و اجبار است. حرکت اعتراضی به منظور بر اندازی حجاب اجباری که نماد اعمال قدرت به نفع طبقه ی حاکم است، می تواند قدرت و روحیه اعتراضی را افزایش دهد.

اروتیک به معنای شور زندگی است و به گفته ی فروید با تاناتوس که به معنی شور مرگ است همواره در کشمکش است. در تصاویر و مجسمه های اروتیک صحنه هایی از انواع روابط جنسی که بیانگر هماهنگی کامل تمایلات غریزی با عمل است، مشاهده می شود. برای نمونه به تصویر کشیده شدن عشق به جنس موافق از تصاویر اروتیک است که به عقیده فروید تقبیح آن به موازات برداشت و فهم نادرست از آن و بدون در نظر گرفتن شرایط محیط و تعلیم و تربیت و موارد اکتسابی است.

علیا ماجده به تصاویر و مجسمه های اروتیک اشاره می کند و می گوید: "تمامی مدل‌های لخت دهه ی ۷۰ در مدارس هنر را محاکمه کنید، تمامی تصاویر هنری را مخفی و مجسمه های لخت را نابود کنید. سپس لباسهای خود را در آورید و بدنهای خود را بسوزانید. این که شما از دست دادن شرم جنسی خود می ترسید، قبل از این که تحقیر و وطن پرستی افراطی خود را آشکار کنید، جرئت پیدا کنید تا نقض آزادی بیان برای من را ببینید.

علیا ماجده با ژست و لبخند تمسخر آمیز و جورابها به تن پوشیده در صدد تاکید بر هماهنگی انسان با تمناهای اصیلش و تقبیح و تمسخر پرنو و نگاه شی واره و ابزار گونه به انسان به مثابه ابزاری برای کنترل فعالیت‌های انسان توسط مقتدرترین ها، است.

گرچه حرکت اعتراضی علیا ماجده و تعدادی دیگر از زنان عرب و همچنین گلشیفته فراهانی، واکنش‌های تند و خشونت باری را موجب شده است، اما در شرایط کنونی هر گونه گسستگی، هر ضربه به مجموعه ی سنن و اخلاقیات سلطه گر، هر ضربه به نهاد های استثمارگر قابل ستایش و حرکتی است به سوی خود آگاهی و آزادی.

## جنگ علیه «باربی» در نظام تبعیض جنسیتی

نگار الوندی

خبرگزاری مهر روز جمعه ۳۰ دی هشدار پلیس نظارت بر اماکن عمومی در مورد فروشندگان عروسکهای باربی را منتشر کرد. بنا بر این خبر تاکنون دهها مغازه فروشنده عروسک باربی از سوی ماموران پلمپ شده است و اجرای این طرح ادامه دارد.

عروسکهای باربی از جمله اسباب بازیهای جدید است که در ۱۳ فوریه سال ۱۹۵۹ توسط شرکت ماتیل تولید و روانه ی بازار شد. این عروسکها بر اساس پندارهای بزرگسالان طراحی شده اند تا کودکان را مخاطب قرار دهند و به طور غیر مستقیم خصوصیات شخصی یا صفات متعلق به مدل مونث را به دختران از سنین پایین نسبت دهند. مدل مونث که زنان را وادار می کند تا خود را به گونه ای بیارایند که مورد پسند مدل مذکر واقع شوند. در اینجا حق انتخاب و توقع مطرح نیست؛ بلکه خوشایند بودن و مراقبت از خود از روی خودشیفتگی حالتی الزامی به خود می گیرد. آن چیزی که در مدل مونث تداوم دارد ارزشی فرعی است. زن تنها برای این که بهتر موضوع رقابت مردان واقع شود، به خود می رسد و خود نمونه ای از این شعار می شود: "اگر او زیباست بدین معنا است که زن اگر زن باشد انتخاب خواهد شد و مرد اگر مرد باشد زن خود را به عنوان یکی از اشیا/ نشانه ها انتخاب خواهد کرد." بنابراین تحت پوشش پوشالی به خود رسیدن، زن به صورت نیابتی به سطح خدمت رسانی تنزل می یابد؛ در نتیجه دیگر عزم و اراده ی او مستقل نخواهد بود.

اگر به شعاری که ذکر شد نگاهی موشکافانه تر کنیم، متوجه ی واژه ی «زیبا» خواهیم شد؛ واژه ای که دارای معانی ی نسبی است. چیزی که سریعاً ذهن ما را به سمت مفهوم زیبایی سوق می دهد و این سوال را در ذهن ایجاد می کند که زیبا در این جا به چه مفهومی اطلاق می شود. بر اساس تعریف سنتی می توان گفت که زیبایی بر هم آهنگی اشکال مبتنی است؛ بنابراین زیبایی و لاغری به هیچ وجه قرابت طبیعی با یکدیگر ندارند، چرا که چاقی نیز در جاهایی دیگر ممکن است زیبایی تلقی شود. اما این زیبایی الزامی، جهان شمول و دموکراتیک که به عنوان حق و تکلیف برای همگان و به ویژه دختران جوان بر روی پیشانی جامعه حک شده، از لاغری جدا نیست چرا که بر مبنای تعریف کنونی و مدلهای موجود در جامعه و مراکزی که این مدل از عروسکها نماینده ی آن هستند، ترکیبی از نشانه هاست که تابع همان فرآیند بازسازی نظام سرمایه داری و اقتصاد جبری کارکرد اشیا است. بنابراین در اینجا است که زیبایی با لاغری و کشیده اندام بودن ارتباط پیدا می کند. این نوع از عروسکها دختران را از سنین پایین دچار وسوسه ی حفظ تناسب اندام، آن هم به شکلی کاملاً ریاضت طلبانه مثل عملهای زیبایی سخت و خطرناک، رژیمهای غذایی سخت و... می کند و باعث بیداری غریزه ی تجاوزگرانه نسبت به بدن در دختران می شود.

کل این غریزه ی تجاوزگر و متخاصم توسط نهادهای اجتماعی هدایت نمی شود و امروزه به مراقبت همگانی از بدن اطلاق می شود. این مراقبت انگیزه ای برای خود سرکوبی به شکلی کاملاً واقعی است؛ امری که به جرات می توان گفت امروزه یک سوم جمعیت بزرگسال کشورهای توسعه یافته و حتی در حال توسعه را تحت تاثیر قرار داده است. این غریزه ورای عامل تعیین کننده ی مد، این سماجت خوددورانگر و غیر عقلایی را تقویت می کند که زیبایی و شیک بودن که در ابتدا مورد نظر بودند؛ در حال حاضر چیزی جز بهانه ای برای نظم و انضباط روزمره نیست. بدن در بازگشتی کامل به شی وارگی خواهد بود که باید بر آن نظارت کرد، آن را محدود کرد و برای مقاصد زیبایی شناختی، ریاضت را بر آن تحمیل نمود. حتی اگر بخواهیم شکل ظاهری و تاثیر این مدل از عروسکها را بر ذهن و روان و در نهایت اعمال کودکان نادیده بگیریم از مدل زندگی ای که به کودکان تحمیل می کند نمی توان چشم پوشید. این مدل از زندگی که عروسکها را دل بسته ی اشیا، البسه ی پر زرق و برق، انواع و اقسام آرایشها و همچنین لوازم خانگی نشان می دهد، به صورت الگویی منفی برای دختران کوچک است. با وجود این الگو به دختران از سنین پایین القا می شود که زن دل بسته ی اشیا و لوازم خانگی است و کارکردی پرستیژ آور دارد که از تن پروری اشرافی و بورژوازی زنان ناشی می شود تا گواه پرستیژ اربابشان (ابتدا پدر و بعد شوهر) باشند. بنابراین زن خانه دار چیزی تولید نمی کند، نیروی مولد به حساب نمی آید، نقشی اجتماعی بر عهده ندارد و اگر هم حیثاً دارای نقشی اجتماعی باشد بیشتر جنبه ی خیریه ای دارد که فقط احساسات نوع دوستی شان را ارضا می کند. از این رو زن ارزشی برابر با نیروی پرستیژ آور دارد که از بی فایده گی رسمی یا شان و مرتبه ی او به



عنوان برده نگه داری شده ناشی می شود؛ پس او تنها یک علامت مشخصه است که بر علائم مشخصه ی ثانوی یعنی اشیا و لوازم خانگی حاکمیت دارد. این همان منطقی است که قوانین جمهوری اسلامی در مورد ارایه داده و بر اساس آن تبعیض جنسیتی را نهادینه کرده است.

پلیس نظارت بر اماکن عمومی تهران هدف از جمع آوری عروسکهای باربی را برخورد با «مظاهر غربی و ترویج دهنده بی‌بندوباری» و حفاظت از مردم و به خصوص «کودکان» از «فرهنگ منحط غربی» عنوان کرده است. در فروردین سال ۱۳۸۸ نیز دادستان کل رژیم حُکمی مبنی بر «خطرناک بودن باربی» صادر کرده بود. خیلی پیش تر یک نهاد فرهنگی حکومتی در مقابل «باربی و دوست پسرش»، خواهر و برادری با نام «سارا و دارا» را طراحی کرده بود که علیرغم تفاوت در شکل ظاهرش (حجاب اسلامی و ..) در اساس از همان اندیشه حاکم بر عروسک باربی پیروی می کرد. بنابراین این تصمیم و اعمال آن به هیچ وجه مقابله با شی وارگی شدن زن و ... نیست. به نظر می رسد در مقابل تحریمهای جهانی به دلیل برنامه ی هسته ای حکومت و سقوط ارزش ریال و مسایل دیگری که جمهوری اسلامی با آن درگیر است، این لحظه برای ممنوعیت عروسکهای باربی انتخاب شده است.

## آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

[www.jonge-khabar.com](http://www.jonge-khabar.com)

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

[www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)

## یادداشت سیاسی.....

### بُتِ پوسیده اعلیحضرت همایون سید علی خامنه ای

مهدی سامع

یادداشت حسین علایی تفاوتی با «نوشته ای از یک ضد انقلاب دوآتشه» ندارد و «احتمال سفارشی بودن آن دور از ذهن نیست». این جملات از نوشته روز دوشنبه ۲۶ دی حسین شریعتمداری در روزنامه کیهان، ارگان چماقداران ولایت فقیه است.

قبل از این که به یادداشت ۱۹ دی پاسدار حسین علایی و واکنشهایی که در تقابل با آن صورت گرفت بپردازم تاکید بر این نکته را ضروری می دانم که به گمان من در اعتقاد حسین علایی به ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی جای هیچ گونه شک و شبهه ای وجود ندارد و اهمیت نوشته ۱۹ دی وی در همین نکته است. حسین علایی نقش مهمی در سپاه پاسداران و در دفاع از نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی به عهده داشته است. او موسس و اولین فرمانده نیروی دریایی سپاه و رئیس ستاد مشترک سپاه پاسداران بوده است.

پاسدار حسین علایی در بخشی از یادداشت خود که در شماره ۱۹ دی روزنامه اطلاعات منتشر شد می نویسد: «روز ۱۹ دی ماه سال ۱۳۵۶ سر آغاز قیامی مردمی و فراگیر است که ظرف حدود یک سال توانست شاه را از کشور بیرون کند و به

نظام سلطانی ۲۵۰۰ ساله در ایران پایان دهد. اما این ماجرا خیلی ساده شروع شد و بهانه آن را خود حکومت فراهم کرد. در این یادداشت «متهم کردن مخالفان به اقدام علیه امنیت کشور»، «متهم کردن مردم معترض به اردو کشی و زورآزمایی خیابانی»، «توهین به شعور جمعی مردم»، «اتهام زدن به مردم که خارجیها عامل تحریک شما هستند»، «حصر کردن بعضی بزرگان در خانه های خود»، «تیراندازی به تظاهر کنندگان» و... از جمله اشتباهات شاه ارزیابی شده است. نقل همین بخش از نوشته حسین علایی و به ویژه تاریخ و محل انتشار آن نشان می دهد که پیام پاسدار علایی خطاب به چه کسی است. به این یادداشت اگر نظر حسین علایی در مورد تحولات سوریه را که در مورد تداوم حمایت جمهوری اسلامی از رژیم بشار اسد هشدار داده بود و موضع گیری او در مورد شکنجه کاه کهریزک را اضافه کنیم به این نتیجه می رسیم که خامنه ای پیام یادداشت حسین علایی را به خوبی درک کرده و برای همین اراذل و اوباش خود را، البته تابخردانه، علیه وی بسیج کرده است.

ولی فقیه با فرستادن لباس شخصیهایی که فقط از بیت او فرمان می برند و طرح شعارهایی همچون «همراهی حسین علایی با جریان فتنه»، «سردار بی بصیرت، بصیرت بصیرت»، «علایی ننگت باد، شرمت باد»، «سردار بیدار شو»، «سردار حسین علایی مردود است» و ... پیام متقابلی برای حسین علایی ارسال کرد. دو نکته دیگر هم می تواند دلیلی بر این امر باشد که خطاب یادداشت حسین علایی کسی جز خامنه ای نبوده است.

در ۱۷ دی سال ۱۳۵۶ یادداشتی به قلم احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات منتشر شد که آن یادداشت نقش یک جرقه به بشکه باروت نارضایتی انباشت شده مردم بازی کرد. مقاله حسین علایی ۳۴ سال بعد در سالگرد قیام ۱۹ دی سال ۱۳۵۶ در همان روزنامه چاپ می شود. در آن مقاله روح الله خمینی مورد تهاجم قرار گرفته بود و در مقاله حسین علایی و در تحلیل اشتباهات محمد رضا شاه گدهایی به کار رفته که فقط می تواند در مورد سید علی خامنه ای صادق باشد. برای مثال استفاده از ترم «اردو کشی و زورآزمایی خیابانی» که از طرف خامنه ای در روز جمعه ۲۹ خرداد سال ۱۳۸۸ بیان شد و یا «حصر کردن بعضی بزرگان» و «اتهام زدن به مردم که خارجیها عامل تحریک شما هستند» که این ترمها ویژه دوران اخیر در ولایت خامنه ای است.

نکته دیگر متن نامه ۱۲ تن از سرکردگان سابق و فعلی سپاه علیه حسین علایی است. در این نامه خطاب به حسین علایی نوشته شده: «این مقاله بر زخم کهنه اهانت به انقلاب اسلامی و رهبری الهی آن که شیوه همیشگی و عاجزانه دشمن زخم خورده بوده نمک پاشیده... و ناروا و بی پروا حق نمک خوردن را پاس نمی دارد و نمکدان شکسته است... امروز افتخار و آرزوی رهبران و پیشقراولان حرکتیهای مردمی بوسه زدن بر بازوان رهبری است، شما مشغول چنگ اندازی به این چهره عزتمند و ایجاد تردید در این مسیر الهی هستید». ۱۲ پاسدار نویسنده نامه سوال کرده اند که چه کسی «بی انصافیهایی که در حق انقلاب اسلامی و رهبری فرزانه آن کردید، احساس خوشنودی می کند؟».

به نکات بالا نامه نگاریهای محمد نوری زاد و حرف عماد افروغ در تیرماه امسال در مصاحبه با خبرآنلاین که گفت: «به تدریج داریم ولایت فقیه را شاه می کنیم» را هم می توان اضافه کرد و نتیجه گرفت که بُت پوسیده سلطان ترک برداشته است.

حمیدرضا مقدم، معاون فرهنگی سپاه پاسداران روز پنجشنبه ۲۲ دی در یکی از مساجد تهران گفت: «رهبری به این علت شرایط بدر و خیبر را یادآوری کرده و تذکر دادند که برخی از مسئولان خسته و مرعوب» شده اند.

به دنبال تهاجم ذوب شدگان در ولایت خامنه ای علیه حسین علایی، وی طی توضیحی بدون آوردن اسم خامنه ای و آوردن اسم خمینی تاکید کرده که «قصد نداشته است نظام شاهنشاهی را با نظام جمهوری اسلامی مقایسه کند... و انشاءالله همچنان بر این صراط مستقیم استوار خواهیم بود». در مقابل این توضیح حمید رضا ترقی، از گردانندگان باند موتلفه اسلامی در یادداشتی نوشت: «زمانی که مطلبی نوشته می شود و کاملاً مشخص است که کنایه های آن متن خطاب به کیست، توضیح معنا ندارد. توجیه کردن نیز ناشی از فشارهاست».

حسین علایی همچنین در پاسخ به نوشته حسین شریعتمداری با تاکید بر این که بنا نداشته پس از توضیح قبلی اش مطلبی بنویسد، اما نمی تواند در مورد مقاله روزنامه کیهان بی تفاوت بماند در نامه خطاب به حسین شریعتمداری نوشت: «این مقاله را من نوشته ام و دشمن و یا کسی آن را به من القا نکرده است. من از افرادی نیستم که دیکته دیگران

را به صورت سفارشی بنویسم. متأسفانه بعضی دوست دارند هر مطلبی را که نمی پسندند، کار دشمن و یا ضد انقلاب بدانند».

سرانجام روزنامه اطلاعات در شماره روز سه شنبه ۲۷ دی، با این توجیه که به محتوای یادداشت حسین علایی توجه نکرده، مجبور به پوزش خواهی شد و خبرگزاری دولتی مهر از دیدار شامگاه یکشنبه ۲۵ دی گروهی از فرماندهان سپاه با حسین علایی خبر داد. این خبرگزاری از قول مجید میر احمدی، معاون وزیر دفاع، اعلام کرد که در جلسه مذکور آقای علایی به خاطر انتشار این یادداشت از «علاقمندان به نظام عذرخواهی» کرده و به آنها گفته همچنان به خامنه‌ای «ارادت» دارد.

همچنان که در ابتدا نوشتیم حسین علایی به ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی اعتقاد دارد. اما در همان حال یادداشت ۱۹ دی وی و این که تاکنون حداکثر «ارادت» خود را به خامنه‌ای ابراز داشته، وی را باید از بریدگان از ولایت خامنه‌ای دانست که به ویژه از حمایت حداکثری ولی فقیه از محمود احمدی نژاد نگران و ناراضی است. او البته می داند که استبداد در مسیر تکامل خود هرچه بیشتر مُنقَبِط می شود و این نگرانی در شرایطی که علی اکبر هاشمی رفسنجانی ممکن است آخرین سنگر دولتی خود را از دست دهد جدی تر می شود.

اما واقعیت مهمتر از انگیزه حسین علایی در نوشتن یادداشت ۱۹ دی، موقعیت درهم شکسته ولی فقیه است. این واقعیت به تکرار این روزها خود را نشان می دهد. هیاهوی عَمَلِه و اَکْرِه ولی فقیه نمی تواند پوسیدگی سلطنت مطلقه خامنه‌ای را پنهان کند. جامعه و مردم ایران در مقابل دو راهی تباهی و یا قیام برای آزادی قرار دارند. تمام امید خامنه‌ای و گماشته اش این است که مردم را با فقر و تباهی فرسوده و خسته کنند و مردم ایران در مقابل این سیاست، راه مبارزه و قیام را انتخاب کرده اند. تجربه قیام ۶ دی سال ۱۳۸۸ (روز عاشورا) نشان داد که مردم می توانند با قیام خود بر شرایط تباهی غلبه کنند.

**برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید**

**[nabarad@iran-nabard.com](mailto:nabarad@iran-nabard.com)**

**دو DVD در یک بسته**

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

مجموعه این دو DVD ۹ ساعت است

بها: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار به اضافه ۲ یورو یا ۳ دلار برای هزینه پست

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

**[nabarad@iran-nabard.com](mailto:nabarad@iran-nabard.com)**

## رویدادهای هنری دی ماه

لیلا جدیدی

### سخن روز:

-هیچکس مخالف آزادی نیست؛ نهایت امر، مخالف آزادی دیگران است! (کارل مارکس (۵ مه ۱۸۱۸ - ۱۴ مارس ۱۸۸۳)، متفکر انقلابی، تاریخ و اقتصاد دان آلمانی)  
- برهنه ات می کنند تا بهتر شکسته شوی؛ نترس گردوی کوچک! آنچه سیاه می شود، روی تو نیست ، دست آنهاست ...!  
(حمید مصدق (۹ بهمن ۱۳۱۸ - ۷ آذر ۱۳۷۷)، شاعر و حقوقدان ایرانی)

### سینما

#### وزارت ارشاد خانه سینما را منحل کرد



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ارسال نامه ای به "خانه سینما"، این نهاد را منحل اعلام کرد. "شورای عالی سینما" هم که برخی کارشناسان معتقدند از سوی دولت به موازات "خانه سینما" ایجاد شده است، بر غیر قانونی بودن فعالیت "خانه سینما" و انحلال "قریب الوقوع" آن تاکید کرده بود.  
در همین حال فرهاد توحیدی، رییس هیات مدیره خانه سینما نیز اعلام کرد که "خانه سینما" را نمی توان منحل کرد.

#### اطلاعیه فرهنگسرای پویا در باره انحلال خانه سینما

فرهنگسرای پویا در فرانسه، پیرامون انحلال "خانه سینما" اطلاعیه ای منتشر کرده که بخشهایی از آن را در زیر می خوانید:  
پس از دستگیری و زندانی نمودن هشت تن از سینماگران عضو خانه سینمای ایران و بازجویی بیش از شصت تن از سینماگران در دو ماه گذشته، با غیرقانونی خواندن خانه سینما از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، موج تازه ای از یورش به سینماگران ایران آغاز شده است.  
حکومت توتالیتر ایران که سیاست حذف تمام نهادهای مدنی مانند احزاب، سندیکاها، اصناف و انجمنها را پی می گیرد، هم اکنون کنترل سینما و سینماگران یکی از اهداف اصلی سرکوب آن شده است.  
بیش از ۵۰۰۰ سینماگر ایرانی در قالب ۲۹ صنف سینمایی، جامعه ی اصناف سینمای ایران یعنی، "خانه سینما" را تشکیل می دهند. از جمله مهمترین اصناف سینمایی، کانون کارگردانان، شورای عالی تهیه کنندگان، انجمن فیلمنامه نویسان، انجمن مستند سازان و انجمن بازیگران می باشند.  
بیانیه صنوف سینمایی درباره اعلام انحلال خانه سینما نخستین واکنش اهالی سینما به سیاستهای سرکوبگرانه دولت ایران است. این بیانیه را روسای ۲۴ صنف به نمایندگی از صنوفشان امضا کرده اند.  
در شرایطی که فیلمسازان سینمای ایران سالها نظارت و سانسور را تجربه کرده اند و بعضاً دچار حتی خودسانسوری هستند، ایجاد محدودیتهای جدید و جدی تر، حکایت از ترس حکومت جمهوری اسلامی دارد.

#### فیلم "جدایی نادر از سیمین"، برنده گلدن گلوب و واکنش جمهوری اسلامی

فیلم "جدایی نادر از سیمین" که از سال گذشته تاکنون معتبرترین جوایز سینمایی دنیا را از آن خود کرده است، موفق شد جایزه بهترین فیلم خارجی زبان شصت و نهمین دوره جوایز سالانه "گلدن گلوب" را دریافت کند. همچنین آکادمی

اسکار نیز "جدایی نادر از سیمین" را در فهرست کوتاه نامزدهای این جایزه در بخش فیلمهای خارجی، در کنار هشت فیلم دیگر قرار داد.



رژیم جمهوری اسلامی نیز اگرچه برای مدتی از ساخت فیلم آقای فرهادی جلوگیری کرده بود، این موفقیت را به وی تبریک گفت. خبرگزاری فارس در باره دست دادن فرهادی با "آنجلینا جولی" نوشت که او از عرف دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران اطلاع ندارد و مسوولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم این روابط را به او یاد نداده اند.

نکته شایان توجه در این است که آقای فرهادی هنگام دریافت جایزه گفت: "مردم کشور من مردمی حقیقتاً دوست داشتنی هستند" اما برخی از رسانه های فارسی زبان به دلایل معلوم، جمله مزبور را دستکاری و به جای "دوست داشتنی"، صفت "صلح دوست" را جا گذاری کرده اند.

### نقدی بر فیلم جدایی نادر از سیمین از زبان یک منتقد آمریکایی

"اسکات هنری"، یک منتقد هنری آمریکایی در باره فیلم "جدایی نادر از سیمین" نوشت: "علت این که رژیم ایران مشکلی با این فیلم نداشته این است که آنقدر دست اندرکاران آنان احمق هستند که نفهمیدند اگر چه به نظر خودشان این نوع زندگی عادی به نظر می رسد، ولی برای تماشاگر غربی ذلت بار است. این فیلم صحنه دادگاهی را نشان می دهد که نمایانگر سیستم قضایی مربوط به قرن نوزدهم است. همچنین هنگامی که نادر برای جرمی جدی و جنایی محاکمه می شود، اساس دادگاه او بر اتهاماتی گذاشته شده که بدون تحقیقات پلیسی و جمع آوری شواهد طرح گردیده و از سوی کسانی عنوان می شود که سوگند ادا نکرده اند."

وی می افزاید: "در مجموع این فیلم نشان دهنده جامعه ای عمیقاً نا کارآمد است که در آن زنان بدون اجازه همسران شان نمی توانند کاری کنند، سیستم قضایی آن شبیه یک جوک است و اختلافات با پرداخت "پول خون" حل و فصل می شود. همین که دولت ایران تصور می کند که این فیلم تصویر مناسبی از زندگی در تهران را برای تماشاگر خارجی به نمایش گذاشته، خوفناک است. و سرانجام، درست است که در کشور ما هم اشکالاتی در جامعه وجود دارد، اما همین که در جمهوری اسلامی ایران، زنان، انسان درجه دوم به حساب می آیند، فراتر از هر معضلی است."

### تحریم جشنواره فجر از سوی فستیوالهای بین المللی

بنا به گزارش فرهنگسرای پویا در پاریس، تعدادی از فستیوالهای بین المللی فیلم از جمله جشنواره جهانی کن (فرانسه)، جشنواره ونیز (ایتالیا) و فستیوال بین المللی لوکارنو (سوئیس) که از جمله معتبرین جشنواره های بین المللی هستند، دعوت جمهوری اسلامی برای شرکت در جشنواره دولتی فیلم فجر را رد کردند. جشنواره های نامبرده علت عدم شرکت خود را همبستگی و حمایت از سینماگران و شرایط نامناسب جامعه ایران توصیف کرده اند.

قابل توجه است که چند فیلمساز وابسته به حزب نهضت اسلامی، حزب شیخ "راشد الغنوشی" تونس راهی تهران خواهند شد.

### فیلم "بانوی آهنین" در باره زندگی مارگارت تاچر

نخست وزیر انگلیس از ساخت فیلم "بانوی آهنین" که در آن زندگی سیاسی "مارگارت تاچر" به تصویر کشیده شده، انتقاد کرد.

فیلم پرسروصدای "بانوی آهنین" که در آن "مریل استریپ"، هنرمند سرشناس آمریکایی نقش "مارگارت تاچر" را بازی کرده است، در سینماهای انگلستان به اکران در آمد.



"دیوید کامرون"، نخست‌وزیر انگلیس از ساخت این فیلم که در آن "مارگارت تاچر" یک پیرزن آسیب پذیر نشان داده شده، ابراز نارضایتی کرد و با وجود ستایش از نقش آفرینی "مریل استریپ" اضافه کرد، درحالی که "مارگارت تاچر" هنوز زنده است و از اختلال ذهنی رنج می‌برد، نباید چنین فیلمی ساخته می‌شد.

"استریپ" ۶۲ ساله که برای این فیلم شانس اصلی کسب اسکار محسوب می‌شود، با ۱۶ بار نامزدی جایزه اسکار از این لحاظ رکورددار تاریخ سینما محسوب می‌شود.

### موسیقی

#### خواننده سنگالی، نامزد ریاست جمهوری

"یوسون دور"، خواننده صاحب نام و پر طرفدار سنگالی از قصد خود برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری این کشور خبر داد.

"یوسون دور" می‌گوید: "درست است که من تحصیلات عالی ندارم، اما برای رییس جمهور بودن نیاز به تحصیلات آکادمیک نیست. رییس جمهوری یک وظیفه است و نه یک شغل."

وی یک چهره بین‌المللی است و از سرشناس ترین اتباع سنگال است که در بسیاری از کشورهای دیگر نیز طرفدار دارد.

### نقاشی

#### تابلوی پیکاسو در هفت دقیقه به سرقت رفت



تابلوی "سر زن"، اثر "پیکاسو" که خود در سال ۱۹۴۹ و به نشانه قدردانی از مقاومت یونان در برابر نازیها به گالری ملی آتن هدیه داده بود، به همراه دو اثر ارزشمند هنری دیگر به سرقت رفت.

پلیس یونان در بیانیه‌ای اعلام کرد، علاوه بر این اثر "پیکاسو"، یک نقاشی از "موندریان"، نقاش هلندی و همین‌طور طرحی از "گولیلمو کاجا"، هنرمند ایتالیایی نیز ربوده شده است.

به گفته پلیس، این دزدی در آخرین روز از برگزاری نمایشگاهی با عنوان "گنجهای ناشناخته" با آثاری از "آلبرشت دورر"، هنرمند آلمانی و "رامبراند"، نقاش هلندی رخ داده است.

### کتاب

#### لذت بخش ترین کتابها، برندگان جایزه کتاب کاستا ۲۰۱۱ اعلام شدند

"اندرو میلر" با رمان "ناب"، جایزه بهترین رمان و "کارول ان دافی"، با مجموعه اشعار "زنبورها"، برنده جایزه شعر از مجموعه جوایز ادبی "کاستا" در سال ۲۰۱۱ شدند.

معیار انتخاب داوران برای اهدای جایزه کتاب "کاستا"، "لذت بخش ترین" کتابهایی است که نویسندگان ساکن بریتانیا و ایرلند جنوبی در یک سال گذشته نوشته اند. این جایزه هر سال در ۵ رشته رمان، رمان اول، زندگینامه، شعر، و کودک اهدا می شود.

رمان "ناب" اثر "اندرو میلر" روایتی است از انقلاب فرانسه. مجموعه شعر "زنبورها" تازه ترین اثر "کارول ان دافی" و اولین کتابی است که پس از دریافت لقب "ملک الشعراء بریتانیا" در سال ۲۰۰۹ از او منتشر شده است. جایزه کتاب کودکان "کاستا" در سال ۲۰۱۱ به "موریا یانگ"، خواننده سابق اپرا با نخستین کتابش "جاده ای به رنگ سرخ خون" رسید.

### رمان "کوری" ژوزه ساراماگو ممنوع شد

دو ترجمه ی فارسی رمان "کوری"، اثر "ژوزه ساراماگو"، نویسنده ی پرتغالی و برنده ی نوبل ادبیات توقیف شده است. این رمان بارها با چهار ترجمه متفاوت منتشر گشته و اکنون مترجمان آن با مشکل انتشار مجدد آن روبرو هستند.

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)  
[www.jonge-khabar.com](http://www.jonge-khabar.com)

### چند شعر کوتاه برای نشریه نبرد خلق

م . وحیدی، از قرارگاه اشرف، آذر ۱۳۹۰

#### ریشه ها

خاستن، زیبایی بود

رویدن

که از تراکم عشق می جوشید

صدای وزش بود

سنگی

برشاخسار سبز حوادث

که دشنه های شهر را صیقل می داد

ریشه هایی که روز را

در کشاکش خورشید ها

نمی بینند

خاکستر شد

در سنگلاخ پر ریخته را

یادت هست ؟

جوانه می زنند

زمین چگونه از پرتگاه حضورت

بر خاک افتاد

\*\*\*

**نقش تو**

وطنیان  
 نفسهای تو  
 با خون و جنون همزاد شد  
 مرا شرح می داد  
 یاد ت هست ؟  
 وقتی که پژمردگی شانه هایم

\*\*\*

از فاصله پر می شد  
 طرح  
 و خستگی  
 رویای من  
 تندیس سالهای خالی ام بود  
 کدامین خطوط بود  
 که از دایره وقت خالی می گذشت

\*\*\*

**حقانیت**

و شعر مرا  
 افسانه ای که خواندم  
 در شعور ناب آوازه های تو  
 خود را  
 بارور می کرد  
 از دریچه زمان  
 پنجره های شعر  
 حلق آویز کرد  
 خیابان را  
 تا حقیقت زمین را  
 به هیاهو می خواند  
 اعتبار بخشد  
 یادت هست ؟

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

[nabarad@iran-nabard.com](mailto:nabarad@iran-nabard.com)



## مالکی توافق دولت عراق با سازمان ملل درباره اشرف را به کلی زیر پا گذاشت

نقض تعهدات - شماره ۱۱

• مالکی به خواست فاشیسم دینی، با اعلام ۱۲۶ حکم دستگیری برای ساکنان اشرف و متهم کردن آنها به تروریسم، جنایتهای بیرحمانه در داخل عراق و قتل شخصیت‌های سیاسی و مذهبی در ایران، توافق با ملل متحد را به کلی زیر پا گذاشت

• خانم رجوی برای سومین بار به منظور نجات راه حل مسالمت آمیز، به تشکیل یک کنفرانس بین المللی با شرکت نماینده ویژه دبیرکل و وکلا و نمایندگان اشرف، دولت عراق، دولت آمریکا، اتحادیه اروپا، کمیسر عالی پناهندگان، کمیسر عالی حقوق بشر و پارلمان اروپا فراخوان داد و از دبیرکل و شورای امنیت ملل متحد خواستار اقدام بلادرنگ در این خصوص شد.

مالکی، نخست وزیر عراق، در روز ۲۲ دی در مصاحبه با رسانه های رژیم ایران که به طور گسترده از شبکه های رادیو-تلویزیون و مطبوعات ملایان پخش شد، با همان فرهنگ و کلمات ننگین رژیم ایران گفت:  
- «منافقین یک گروهک کاملاً تروریستی هستند... و تأکید داریم تا کمتر از چهار ماه دیگر هیچ منافقی در عراق باقی نخواهد ماند و بعد از آن هم اردوگاه اشرف بسته و زمین آن نیز به صاحبانش بازگردانده می شود». (تلویزیون سراسری- شبکه ۱ رژیم)

- «ما دیگر حضور مجاهدین خلق را در خاک عراق تحمل نمی کنیم، این یک گروه تروریستی طرد شده بین المللی است، که نه تنها دست به قتل شخصیت‌های سیاسی و مذهبی در ایران زده است بلکه در عراق نیز دارای سابقه خونینی است ... مجاهدین خلق جنایات بیرحمانه یی در داخل عراق انجام داده است، تا به امروز ما ۱۲۶ حکم دستگیری برای عناصر مجاهدین خلق در داخل کمپ اشرف دریافت کرده ایم، که متهم به ارتکاب جنایات هولناکی می باشند» (پرس تی وی - تلویزیون انگلیسی زبان ملایان).

- «دادگاه عراق حکم بازداشت ۱۲۱ تن از اعضای منافقین به اتهام دست داشتن در امور تروریستی را صادر کرده است و این افراد هم چنان در اشرف هستند» (واحد مرکزی خبر ملایان و خبرگزاری فارس متعلق به سپاه پاسداران).  
از این پیشتر مقاومت ایران در اطلاعیه های ۱۲ و ۱۹ دیماه درباره تلاشهای ملایان برای به شکست کشاندن راه حل مسالمت آمیز در بحران اشرف هشدار داده و اعلام کرده بود: «مقاومت ایران به گزارشها و اسنادی از داخل رژیم ملایان دست یافته است که به روشنی از توطئه ها و تلاشهای این رژیم و عوامل آن در عراق برای به شکست کشاندن راه حل مسالمت آمیز در موضوع اشرف که خانم کلینتون و دبیرکل بانکیمون بر آن تأکید کرده اند، خبر می دهد. هدف، زندان سازی تحت نام «لیبرتی» با پوش ملل متحد است».

مقاومت ایران تاکنون ۱۰ اطلاعیه با ذکر موارد مشخص پیرامون نقض تعهدات دولت عراق در قبال ملل متحد صادر کرده است.

اظهارات مالکی، گواه آشکار صحت این هشدارهاست و از پروژه انهدام اپوزیسیون ایران در شرایطی خبر می دهد که رژیم ملایان در تنگنای گسترش تحریمهای بین المللی و قیام مردم سوریه، برای حفظ موجودیت خود، از یک سو به ساختن بمب اتمی روی آورده و از سوی دیگر برای انهدام نیروی اصلی اپوزیسیون از طریق دست نشاندهگان عراقی خود نقشه می کشد.

اظهارات مالکی همچنین زیر پا گذاشتن آشکار یادداشت تفاهم ۴ دی (۲۵ دسامبر ۲۰۱۱) دولت عراق با نماینده ویژه دبیرکل و نامه ۷ دیماه مارتین کوبلر در همین رابطه به ساکنان اشرف است.

خانم رجوی با ابراز تأسف و اعتراض نسبت به سلسله اقدامهای غیر قانونی و نقض پیاپی قوانین و کنوانسیونهای بین المللی به ویژه زیر پا گذاشتن اصل «مسئولیت حفاظت» (RtoP) در رابطه با ساکنان اشرف، برای سومین بار به منظور نجات راه حل مسالمت آمیز، به تشکیل یک کنفرانس بین المللی با شرکت نماینده ویژه دبیرکل و وکیلان و نمایندگان اشرف، دولت عراق، دولت آمریکا، اتحادیه اروپا، کمیسر عالی پناهندگان ملل متحد، کمیسر عالی حقوق بشر و پارلمان اروپا فراخوان داد و از دبیرکل و شورای امنیت ملل متحد خواست در این خصوص بلادرنگ اقدام کنند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۲۳ دی ۱۳۹۰ (۱۳ ژانویه ۲۰۱۲)

## کابوس اشرف

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... ۲۶ دی

در تازه ترین اقدام مالکی در هماهنگی با رژیم جمهوری اسلامی، یادداشت تفاهم ۴ دی با نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل با اعلام قصد دستگیری ۱۲۶ تن از ساکنان کمپ اشرف زیر پا گذاشته شده است. طبیعی است که جمهوری اسلامی در حول و حوش انتخابات نمایشی که در برابر نه تنها گسترش جنبش تحریم بلکه، گسترش تحریمها و فشارهای بین المللی نیز قرار گرفته، برای حذف کابوس اشرف و به خیال خود، حذف مقاومتی سازمان یافته، چنگ و دندان بیشتری نشان بدهد.

نخست وزیر عراق از طریق تلویزیون رژیم ادعا کرد: "منافقین یک گروهک کاملاً تروریستی هستند... و تاکید داریم تا کمتر از چهار ماه دیگر هیچ منافقی در عراق باقی نخواهد ماند."

او همچنین از توطیه موازی دیگری برای حذف فیزیکی ساکنان اشرف پرده برداشت و اعلام کرد: "دادگاه عراق حکم بازداشت ۱۲۱ نفر از اعضای منافقین به اتهام دست داشتن در امور تروریستی را صادر کرده است."

از سوی دیگر، رژیم نیز برای از سر راه برداشتن مقاومت سازمان یافته از صدور حکم اعدام برای اعضای خانواده ساکنین اشرف به اتهام واهی "محاربه" کوتاهی نمی کند. از جمله این زندانیان سیاسی، جواد لاری به اتهام سفر به اشرف، علی معزی به اتهام دیدار با دو فرزندش و شرکت در مراسم خاکسپاری محسن دگمه چی هستند. همچنین محسن و احمد دانشپور و عبدالرضا قنبری که در جریان قیام ۸۸ بازداشت شدند و زندانی سیاسی، غلامرضا خسروی سواد جانی، به اتهام کمک مالی به مجاهدین از دیگر زندانیانی هستند که رژیم کمر به قتل آنها بسته است.

روشن است که مالکی و رژیم منزوی و درمانده خامنه ای به سادگی زیر بار انتقال مسالمت آمیز ساکنان اشرف به یک کشور دیگر که امنیت آنها را تضمین کند، نخواهند رفت. وقتی پای حفظ قدرت، ثروت و حکومت در میان باشد، برای دیکتاتورها قراردادهای، توافقات و میثاقهای بین المللی کاغذ پاره ای بیش نیست. از این رو نه تنها می بایست مسوولین اصلی، سازمان ملل، آمریکا و اروپا که خود را ملزم به این قراردادهای می دانند را تحت فشار قرار داد، بلکه با پافشاری همه جانبه از سوی همه نیروهای مخالف رژیم بر حقوق ساکنین اشرف خاطرنشان کرد که مطالبه عدالت و آزادی همگانی و سراسری است و تحت هر شرایطی مقاومت و مبارزه برای آن تا پیروزی ادامه خواهد داشت.

## تروریسم دولتی علیه راه حل عادلانه برای کمپ اشرف

منصور امان

فراسوی خبر... ۶ دی

پس از ناکامی در گشتار جمعی ساکنان اشرف زیر پوشش یک تصمیم دولتی و به بهانه تامین "منافع ملی عراق"، رژیم جمهوری اسلامی و همدست عراقی آن، خلعت تشریفات رسمی را از تن بیرون آورده و به روشهای تروریستی و راهزنانه متوسل شده اند. حمله بزدلانه موشکی به کمپ اشرف را می توان نشانه ای از سرخوردگی آقایان خامنه ای و مالکی از شکست طرح گسترده خود برای حل خونین و یکباره مشکل مخالفان ساکن این کمپ به حساب آورد.

پرتاب موشک به کمپ غیر نظامی اشرف در همان هنگامی صورت گرفت که دولت عراق زیر فشار بین المللی، در حال امضای توافق نامه ای با سازمان ملل مبنی بر انتقال ساکنان کمپ به محلی تحت نظارت این نهاد و آغاز پروسه تعیین وضعیت نهایی اسکان آنها بود.

حمله تروریستی مزبور می تواند معیار خوبی برای سنجش ارزش تعهداتی باشد که دولت دست نشانده عراق به طرفهای خارجی خود یا نهادهای بین المللی می سپارد؛ این امر به ویژه شامل تعهداتی می شود که خانم هیلاری کلینتون از آن خبر داده است.

وزیر امور خارجه آمریکا در بیانیه ای که به مناسبات امضای توافقنامه بین دولت عراق و سازمان ملل صادر کرده اطلاع می دهد، تیم مالکی با نظارت سازمان ملل بر انتقال ساکنان کمپ اشرف به محل جدید و استقرار بیست و چهار ساعته نمایندگان سازمان ملل در محل مزبور موافقت کرده است.

حمله تروریستی به کمپ اشرف در حالی که هنوز مَرکب امضای آقای مالکی خُشک نشده، خرابکاری آشکار در تلاشهایی است که به منظور به جریان انداختن یک راه حل عادلانه انجام می شود. حمله مزبور ثابت می کند که باز کردن حساب یک طرفه روی حُسن نیت یا توانایی دولت عراق در عمل به تعهدات خود می تواند اشتباهی مرگبار باشد.

**هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید**

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)  
[www.jonge-khabar.com](http://www.jonge-khabar.com)

## فراسوی خبرها.....

### مانور دیپلماتیک رژیم به قصد کلاهبرداری سیاسی

جعفر پویه

فراسوی خبر ... آدینه ۳۰ دی

در حالیکه علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه رژیم ولایت فقیه از قریب الوقوع بودن از سرگیری مذاکرات هسته ای با ۱+۵ خبر می دهد، وزیر خارجه انگلیس در واکنشی فوری این خبر را رد کرده و اعلام داشت که مذاکرات همچنان در بن بست قرار دارد. همچنین سخنگوی خانم اشتون، رییس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در واکنش به گفته صالحی تاکید کرد: "هیچ برنامه ای برای مذاکره با ایران در کار نیست و هنوز تصمیم آن گرفته هم نشده. در نتیجه بی فایده است که در مورد اینکه زمان و مکان آن ممکن است کی و کجا باشد، حرف زد."

به نظر می رسد دستگاه دیپلماسی رژیم ولایت فقیه بار دیگر با دروغگویی و خبرهای ساختگی تلاش دارد تا خود را از انزوا خارج شده نشان دهد. به همین دلیل علی اکبر صالحی که بعد از علی لاریجانی به ترکیه سفر کرده، تلاش می کند تا با به جلو راندن ترکیه و تمرکز بر اشتباهات همتایان ترک خود برای مطرح شدن در سیاست منطقه ای و جهانی، هیاهویی برای هیچ را سازمان دهد.

علی لاریجانی در ترکیه اعلام کرده بود: "موضوع هسته ای ایران روشن است، اما ما گرفتار بازیگریهای غربیها شده ایم. مذاکرات قابل حل است، به شرطی که مذاکرات جدی باشد نه بازیگوشانه." و صالحی نیز همین سیاست را پی می گیرد و می گوید: "اگر غرب نیت صادقانه ای داشته باشد، باید مذاکرات هسته ای بین ایران و گروه ۱+۵ آغاز شود."

همزمان، مایکل مان، سخنگوی دفتر کاترین اشتون، اعلام کرد: "همانطور که قبلا هم گفته بودم، تصمیم به شروع مذاکرات روندی دارد که هنوز گام اول آن برداشته نشده است، در نتیجه نمی توان به دیگر موارد و جزییات پرداخت، ولی در حال حاضر می توان گفت، هیچ برنامه ای برای مذاکره با ایران سازماندهی نشده است."

تصمیم قاطع اتحادیه اروپا برای تحریم بیشتر رژیم که به گفته آلن ژوپه، وزیر امور خارجه فرانسه روز دوشنبه آینده رسمیت خواهد یافت و نفت و داراییهای بانک مرکزی رژیم را هدف قرار خواهد داد، باعث شده که دستگاه دیپلماسی ولایت فقیه برای تحت تاثیر قرار دادن آن، دست به یک سری مانورهایی با مضامین دروغین بزند.

معلوم نیست مقامهای اتحادیه اروپا باید به چه زبانی به پایوران دروغگو و دغل باز رژیم حالی کنند که هرکاری نیاز به مقدمات خاص خود را دارد و باید از کانال مشخصی عبور کند؟

پایوران رژیم سعی می کنند با آماده نشان دادن خود و طرح مذاکره بدون پیش شرط، نشستی نمادین را سازمان دهند و اینگونه شرط اجرای قطعنامه های سازمان ملل برای بازگشت به میز مذاکره را ملغی شده و بی ارزش اعلام کنند. این عملی است که آنها فکر می کنند با کلاهبرداری و دروغگویی می توانند انجام دهند. درحالیکه دست دروغگویان و دغلبازان ولایت فقیه برای سیاستمداران جهانی و مقامهای اتحادیه اروپا رو شده و دیگر حنایشان برای کلاهبرداری سیاسی رنگی ندارد.

## بستن یا نبستن تنگه هُرمُز، یک دوگانگی مُحاسبه شده

منصور امان

فراسوی خبر... ۱۱ دی

این بخش ثابت آداب و تشریفات مرسوم رژیم جمهوری اسلامی است که پیش از هر تصمیم بین المللی علیه پروژه هسته ای خود، اسلحه بکشد و دست به برگزاری مأنور نظامی بزند؛ واکنشی که نه فقط کارشناسان عادی روابط عمومی بلکه، طرفهای خارجی رژیم مُلاها نیز به آن آگاهند و سرچشمه و مقصد نهایی اش را می توانند به سادگی حدس بزنند. با این حال، چنین می نماید که تازه ترین نمایش جنگی جمهوری اسلامی، دستکم در واشنگتن، توجُّهی غیر معمول را برانگیخته باشد.

آشکار ترین نشانه این امر، ورود مُستقیم و کم پیشینه یک مقام نظامی آمریکا در خلیج فارس به مُشاجرات لفظی است. هفته گذشته، سُخنگوی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا هُشدار داد که آمریکا اخلاص در تنگه هُرمُز را تحمُل نخواهد کرد. وی این سُخنان را در واکنش به تهدید معاون آقای احمدی نژاد، گُماشته ولی فقیه بر منصب ریاست جمهوری، مبنی بر مسدود ساختن تنگه مزبور در صورت تحریم نفت جمهوری اسلامی ابراز داشت.

اندکی بعد اما یک سُخنگوی وزارت خارجه ایالات مُتحد، با اشاره به اینکه آمریکا سُخنان مقام جمهوری اسلامی را "لفاظی" انگاشته و به دُشواری می تواند آن را "تهدیدی جدی" به حساب بیاورد، روایت مُتفاوتی از وضعیت ارایه داد. با این حال، آقای مارک تانر توضیح نداد چرا یک واحد ارتش آمریکا مُنتظر رویکرد رسمی نشده و خود به طور مُستقل به تفسیر مسایل سیاسی پرداخته است.

از سوی دیگر، چنین می نماید که گویش به دو زبان مُختلف فقط مُختص آمریکا نیست؛ چه پایوران جمهوری اسلامی نیز به همین گونه سناریوهای به کُلی دوگانه ای را به تصویر می کشند و در حالی که عده ای از بستن تنگه هُرمُز و تشدید بُحران سُخن می رانند، دسته دیگر این گُفته ها را رد کرده و ژست تشنُج زدایی می گیرد.

در هر صورت، به دُشواری می توان پنداشت که دولت آمریکا و نیز رژیم جمهوری اسلامی پیرامون یک مساله استراتژیک (برای آمریکا)، حیاتی (برای حاکمان ایران) و به شدت حساس (برای هر دو) دُچار سردرگمی باشند. بیشتر به نظر می آید این یک دوگانگی مُحاسبه شده است که هدف اصلی آن شناور نگه داشتن تهدید برخورد نظامی روی سطح رویدادها به منظور تحت تاثیر قرار دادن و در بهترین حالت، سمت دادن به آنها می باشد.

ناگفته پیداست که به میان آوردن و بُزرگنمایی احتمال یک درگیری نظامی در صورت توسُّل به تحریم بانک مرکزی مُلاها و ضربه به مکانیزم معاملات نفتی آنها، در خدمت از دور خارج کردن کُدام راهکار قرار دارد.

## واکنش صحنه گردانان نمایش انتخاباتی در برابر جبهه تحریم

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر سه شنبه ۲۰ دی

بازیگران شعبده بازی انتخاباتی که قرار است در ۱۲ اسفند ماه برگزار شود در حالی پنجه بوکسهای خود را آماده می کنند که در جبهه فاتحان نمایش قبلی، شکاف عمیقی افتاده است. شرایط بحرانی فعلی آن چنان است که ولی فقیه خاطره تلخ خود از قیام مردمی را «جرزنی» در انتخابات می داند.

خامنه ای روز دوشنبه ۱۹ دی، مژده داد که نمایش ۱۲ اسفند با حضور «پر شور مردم» به روی صحنه خواهد آمد. ولی فقیه در حالی خود را امیدوار نشان می دهد که بسیاری از بازیگران قبلی از رینگ خارج شده اند. تعدادی هم که تمایل دارند در میان دست و پای صاحبان رینگ جای داده شوند در نمایش آینده به بازی گرفته نخواهند شد. جنبش رنگین کمان مردمی با تسخیر خیابانها بر باطل بودن هر شعبده بازی انتخاباتی نقطه تاکید گذاشت. بر همین منظر جبهه تحریم نمایش انتخاباتی آن چنان گسترده است که رژیم پیشاپیش تعدادی را بازداشت نموده است. حیدر مصلحی وزیر اطلاعات روز دوشنبه ۱۹ دی خبر از دستگیری افرادی داد که اتهام آنها «اجرای طرحها و برنامه های آمریکا در روند انتخابات مجلس» است. حیدر مصلحی انتخابات آینده را از «حساس ترین» انتخابات در دوران جمهوری اسلامی به شمار آورد.

در رویدادی دیگر روز یکشنبه ۱۸ دی، رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ اعلام کرد که «بیش از ۲۰۰ نفر در طرح امنیت محله محور» دستگیر شده اند. این نوع دستگیریها به بهانه برخورد با مواد مخدر، تشدید اختناق و شناسایی افراد است.

با توجه به گستردگی جنبش تحریم، واکنش پایوران رژیم در تهدید و ارباب مردم شدیدتر خواهد شد. مسئول همه خشونت‌هایی که برای زرق و برق دادن این شوی انتخاباتی بر مردم و فعالان اجتماعی وارد شود ولی فقیه است. سخنان دیروز ولی فقیه شرایط را برای اعمال چنین خشونت‌هایی بر مخالفان انتخابات اسفند ماه آماده می سازد. مسلم است که گستردگی جبهه تحریم بازیگران را در اجرای نمایش خود هر چه بیشتر ناموفق خواهد کرد.

## شهدای فدایی در بهمن ماه

رفقا: ابراهیم پور رضا خلیق - سعید پایان - فتحعلی پناهیان - منیژه اشرف زاده کرمانی - محمد طاهر رحیمی - محسن بطحایی - عبدالمجید پیرزاده جهرمی - مسعود پرورش - فاطمه افدرنیا - جعفر محتشمی - پوران یداللهی - مصطفی دقیق همدانی - انوشه فضیلت کلام - کیومرث سنجری - حسن فرجودی - حسین چوخاجی - کاووس رهگذر - جهانگیر قلعه میانداوب (جهان) - فرشاد مرعشی - حمید مؤمنی - محمدعلی خسروی اردبیلی - قاسم سیادتی - بابک سیلابی - خسرو پناهی - مهدی اقتدارمنش - محسن نیک مرام - بهروز عبدی - محمدجواد عرفانیان - محمدامین نورائی - اکبر پارسی کیا - عباس تبریزی - مسعود رحمتی - حسن محمدپور - علی نوروزی - بهنام قاسم زاده رضوی - جعفر (حر) رضایی - ابراهیم کردی - مراد میرزایی - اسد یزدانی - اسماعیل برزگر - فریدون بانه ای - فاطمه محمدی - محسن نوربخش - حسن توسلی - فردوس آقا ابراهیمیان - میرمحمد درخشنده (توماج) - عبدالکریم مختوم - واحدی - حسین جرجانی - حمیدرضا هزارخانی - خسرو گلرخ - کرامت دانشیان - در مبارزه قهرمانانه علیه رژیمهای شاه و خمینی برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع و استقرار دموکراسی و سوسیالیسم طی سالهای ۱۳۴۹ تاکنون به شهادت رسیده اند.

کانون ایرانیان آزادیخواه مونیخ به مناسبت چهل و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل برگزار می کند.

سخنران : جعفر پویه از اعضای کمیته  
مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
برنامه هنری با:  
گیسو شاکری

و فریدون رمضانی از کارگاه هنر ایران  
زمان شنبه ۱۸ فوریه ۲۰۱۲ ساعت ۱۷.۰۰

Hansahaus, Brienner Str. 39, 80333 München

## NABARD - E - KHALGH

No : 319 21 Jan. 2012 / Price: \$ 1 – 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas  
Executive Editor: Zinat Mirhashemi  
Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 /91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com) E.Mail: [nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

[www.jonge-khabar.com](http://www.jonge-khabar.com)

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

[www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)